



نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	۱. سرمقاله
۱۱	۲. اجرای موفقیت آمیز اعدام انقلابی فاتح یزدی (طرح تاری یزدی)
۱۵	۳. اعدام یکی از دشمنان جنایتکار طبقه کارگر
	۴. خطابه توضیحی سازمان چریکهای فدایی خلق به کارگران ایران در رابطه با اعدام صاحب جنایتکار کارخانجات جهان
۱۹	۵. جنبشهای صلحانه خلیجهای آفریقا
۳۷	۶. يك خبر
۴۵	۷. اخبار
۴۶	۸. شهادت يك قهرمان مقاومت
۶۱	۹. فرزندان راستین خلق
۶۲	۱۰. شهادت يك چريك فدایی خلق در جبهه نبرد منطقه ای
۷۳	

مقاله

سه سال و نیم است که از آغاز مبارزه ی
سلحانه توسط پیشگامان خلق می گذرد و اکنون
دیگر مبارزه سلحانه يك مرحله کامل راهگشایی
را پشت سر گذارده و در جامعه تثبیت شده است.
سه سال و نیم کوشش و پیگیری و پایداری و پایداری
و دلاوری و جانبازی و بالاخره سه سال و نیم
قربانی دادن در راه خلق بهای راهگشایی
و تثبیت مبارزه سلحانه در ایران بوده است.
این بهای گزاف را مبارزین پرداختند که با
مدد گرفتن از اراده و ایمان انقلابی از هیچ
مشکلی نهراسیدند با نثار خون پاکشان بشارت
دهنده مرحله نوینی از مبارزات رهایی بخش
خلق گشتند.

ضربات و تلفات سنگینی که پیشگامان انقلاب
ایران در آغاز تحمل کردند بسیاری از عناصر
مرد را ترساند و اپورتونیست ها را بر آن داشت
تا به اصطلاح برای "شکست" مبارزه سلحانه

در ایران مرثیه بسرایند. اما خیلی زود
واقعیت به اینان نشان داد که بوجود آمدن
گروه ها و سازمانهای انقلابی پیشگامان
شرایط مادی جامعه است و ضرورت های
اجتماعی و سیاسی جامعه است که موجود است
آنها و ادامه ی رشد شان را تضمین می کند.
به همین دلیل بود که گروهها و سازمانهای پیش
آهنگ علیرغم تحمل ضربات شدید ابتدایی
توانستند سازمان و امکانات آسیب دیده خود
را در بستر شرایط مساعد اجتماعی بازسازی
کرده و موج نوینی از مبارزات انقلابی را آغاز
نمایند. تجربه عظمی نشان داد که برای
رهگشائی هر مرحله نوین مبارزاتی و جنبش
تلفات نسبتا زیاد را باید تحمل نماید. برای
آغاز جنبش سلحانه در مین ما نیز قبول چنان
ضربات و تلفاتی اجتنابناپذیر بوده است. اکنون
دیگر ما آن مرحله را پشت سر گذارده و شاهد

دروغین و تحریف شده درگیری با چریکها و شهادت آنها را منتشر می ساخت تا بخلق نشان دهد که همه ی مخالفین خود را هر اندازه که قدرت داشته باشند سرکوب میکند.

دشمن بدینوسیله می خواست خود و مأمورین خود فروخته اش را در برابر خلق ضربه ناپذیر جلوه دهد تا بخیال خود آنها را از فکر مبارزه با حکومت و دستگا‌های سرکوب کننده اش

منصرف کند. رژیم که غفلتا با موج نوینی از مبارزات انقلابی مواجه شده بود مانند همه ی حکومت های ارتجاعی و مطابق با فرمول بنسدی کارشناسان امریالیسم جهانی دست به سرکوب

وحشیانه و خشن مبارزین همراه با تبلیغات و قبحانه زد تا بخیال خود آتشی را که بزودی دامش را فرا می گرفت هر چه زودتر خاموش سازد. در ابتدای امر رژیم که اطمینات چریکها

دستچاچه شده بود و مرتکب اشتباهاتی شد و دست تبلیغات ناشیانه ای زد. اقدامات و عطیات چشمگیر چریکها همراه با تبلیغات ناشیانه ی دشمن خلق را با اوضاع و احوال نوینی که بوجود آمده بود آشنا ساخت و محیط

رشد روز افزون مبارزه مسلحانه هستیم. پس از سه سال و نیم که از آغاز جنبش می گذرد می بینیم که چگونه جوانان انقلابی موج وار در برابر رژیم ننگین شاه قد علم می کنند و با بخاک افتادن

هر دسته و دسته دیگری جای آن ها را می گیرند و مصمانه تر پیشروی خود را ادامه می دهند. هر روز خبری از گوشه و کنار کشور درباره ساختن گروه های مسلح بر علیه رژیم می

شنویم. در پرومرد، همدان، قزوین، قم و دزفول و نهاوند . . . همه جا گروه های انقلابی دست به مسلحه می برند و در پی کار رهایی بخش خلق ایران شرکت می جویند. مبارزین

صادق و پاکباز در همه ی نقاط کشور با فدائی کردن جان خود در راه خلق و در راه اعتلای جنبش انقلابی میهنستان و کشف ویژگیهای آن گام بر می دارند.

رژیم شاه که تا کنون بسرکوبی سریع و قطع قطع جنبش چریکی امید داشت در همین سرکوب و کشتار وحشیانه مبارزین و در باره قدرتی خود و دستگاه کتیف جاسوسی اش (سازاک) تبلیغات و سروصدا راه می اناخت. اخبار

را شدیداً سیاسی کرد. هنگام با رشد و گسترش جنبش سلححانه دشمن نیز که در حال مبارزه ی دائمی با چریکها بود، اشتباهات خود را تصحیح می نمود، شیوه های گوناگون را برای جلوگیری از نفوذ چریکها در خلق به تجربه و آزمایش می گذاشت و سیستم های مختلف ضد چریکی را زیر نظر کارشناسان امپریالیسم جهانی برقرار می نمود. در حال حاضر دشمن علاوه بر سرکوب میلیتاریستی خلق و برقراری شرایط حکومت نظامی پنهانی به شیوه توطئه سکوت متوسل شده است. رژیم می کوشد که کلیه اخبار مربوط به درگیریها و عملیات چریکها را مسکوت بگمارد و از نشر آن در روزنامه ها، رادیو و . . . جلوگیری کند. دشمن بتجربه دریافته است که نشر هرگونه اخبار راجع به چریکها (حتی اگر دروغهای بیشمارانه باشد) باعث آشنائی خلق با چریکها و اطلاع از مبارزات و عملیات آنها می شود. بطاوه با انتشار هر خبر مسائل نوینی برای خلق مطرح می شود، آنها در می یابند که با دشمن تا دشمنان مسلح هم می توان به مبارزه

برخاست و مبارزینی وجود دارند که قادرند و می توانند با دشمنان خلقی درآویزند. خلق نیز طبعا نمی تواند نسبت به این جریان بی تفاوت بماند و دیر یا زود بحمايت از چریکها بر خواهد خاست.

توطئه سکوت مختص رژیم ایران نیست بلکه یکی از روشهای امپریالیسم جهانی برای مقابله با جنبش های سلححانه در مرحله ای از رشدشان می باشد. مرحله ای که دشمن از اقدامات اولیه برای نابودی چریکها نتیجه نگرفته و جنگ طولانی، دامنه دار و پونامه ریزی شده ای را با چریکها آغاز کرده است. توطئه سکوت نمایشگر آغاز این مرحله است. ولی با رشد روز افزون مبارزه سلححانه این توطئه رژیم هم بتدریج با شکست مواجه میشود و دشمن باتخاذ شیوه های نوینی وادار می گردد خبر درگیریها و عملیات اگر از رادیو مطبوعات پخش نمی شود، از طریق تبلیغات مستقیم خود سازمان های چریکی (بوسیله نشر اعلامیه ها، خطابه ها، جزوات، رادیوهای چریکی و . . .)

در میان خلق پخشی می گردد . خلق ستمدید
 ما نیز هر روز پیوندهای جدیدی میان ستم
 هایی که با وی شود با مبارزه پیشگامان خود -
 کشف می کند و با اقداماتی که این فرزندسان
 راستینش در راه او و به نفع او انجام می دهند
 و اعتماد بیشتری بدرستی راهشان می یابد و
 با حمایت معنوی و حقی در مواقعی مباردی
 خود نقشه های رژیم را نقش بر آب می سازد .
 بحالوه علییرغم خفقتانی که رژیم شاه در
 مهین ما بر قرار نموده است ، گروه های انقلابی
 و پیشتاز خلق مرتباً تشکیل می شوند و سلاح بر
 می گیرند تا نقش خود را در راه انقلاب رهائی -
 بخش خلق ایفاء کنند . باید گفت که اگر چه
 بخاطر شرایط اختناتی و حکومت نظامی پنهانی
 رژیم گروه های انقلابی با یکدیگر ارتباطات -
 اندکی دارند و مستقلاً کار می کنند ولی تجار
 مشترکشان همه را بسوی منی واحدی راهنمایی
 می کند . بحالوه گروه ها خواه نا خواه و اگر
 چه اندک در جریان تجارب یکدیگر قرار می -
 گیرند و از طریق جزوات ، اعلامیه ها و . . .
 از خط منی و روشهای یکدیگر آگاهی می یابند

و با رشد سازمانهای چریکی ارتباطات آنها
 نیز بطور روز افزونی افزایش می یابد .

بدین طریق رژیم روز بروز با گروه های نوین
 مواجه می شود که سلاح برگرفته و نبرد را با
 وی آغاز می کنند . هنوز شکنجه و دستگیری
 رزفندگان یک گروه را تمام نکرده با عطیات گروه
 دیگر مواجه می شود و در گوشه دیگر کشور
 از وجود چریکها آگاهی می یابند . بحالوه
 در بعضی مواقع رژیم با عطیات گروه هایی مواجه
 می شود که بخیال خود با دستگیری و اعدام
 عناصر اصلی آنها را نابود کرده است ، طبیعی
 است که در چنین مواقعی تا چه حد حیثیت
 زنده و خشمگین میشود .

مثلاً گروه " ابوذر " که اعمال شجاعانه و

حیثیت انگیزشان در نهادند ، قم
 تاثرات زیادی بر خلق نهادند بخصوص
 جوانان و محصلین باقی گذاشت . این گروه
 پس از یک رشته عطیات صلحانه در نهادند
 پاسبانی را در قم با کارد خلق صلاح کردند .
 پس از مدتی که فعالیت های گروه می گذشت
 عده ای از آنها دستگیر و زندانی شدند . دشمن

با اعدام ۷ نفر از رزمندگان گروه و دستگیریهای وسیع در نهاوند و زنجان کردن هر کسی که بیم داشت ارتباطی هر چند ناچیز با گروه داشته است. بخیال خود گروه را قلمع و قمع نمود. ولی علیرغم این هجوم و سرکوبی وحشیانه دشمن، اکنون می شنویم که چند نفر از رزمندگان همان گروه در منطقه شمیران برای اعدام خواجه نوری را در استان ادریس ارتش، ایمن مزبور نور چشمی رژیم بخانه او حمله برده و با نگهبانان او بزدل برخورد کرده اند.

در لرستان مامورین دشمن منطقه را میلیتاریزه کرده و شهرها را بحالت حکومت نظامی در آورده اند تا بخیال خود هسته مسلحی را که در روستاهای لرستان تشکیل شده است، در نطفه پخشکنند. دشمن از ناکامی در دستگیری ایمن مبارزین که از حمایت توده ای برخوردارند، چون خرس تیرخورده بخود می پیچد و خود را بآب و آتش می زند. اکنون دشمن به دستگیری وسیع اقوام و خویشاوندان و حتی آشنایان ایمن مبارزین دست زده تا شاید بدین وسیله بتواند

سرنخی برای دستگیری آنها بیاید. این نمونه هایی از گروه های انقلابی میهن ما هستند که در نقاط مختلف کشور با دشمن بیگاری می کنند. گروه های دیگر نیز مرتباً تشکیل می شوند و مبارزه را ادامه می دهند. باین ترتیب مبارزه مسلحانه هر روز ابعاد گسترده تری می گیرد و گروه های زیادی با آرزوی پیوستن به جنبش مسلحانه با ابتدایی ترین تسلیحات و وسائل و یا حتی دست خالی بیگاری را آغاز می کنند.

* * *

در چنین شرایطی وظایف سازمان ما چیست؟

سازمان ما به مثابه یک سازمان پیشتاز مارکسیست - لنینیست مسئولین بزرگ در قبال همه گروه های مبارز و بویژه گروه های مارکسیست - لنینیست بعهده دارد. در این سالها

عملکرد خود را جمع بندی کنند و به سه سو ر پلیس می افتند . بدیهی است که این گروهها در رابطه با سازمانهای تثبیت شده چریکی بهتر می توانند رشد کنند و ضربه های دشمن را خنثی کنند .

وظیفه ما در قبال گروه های انقلابی چیست ؟

سازمان ما در قبال همه رزمندگان انقلابی و بالخصوص رزمندگان مارکسیست - لنینیست دووظیفه عمده در پیش دارد ؛ یکی اینکه تاحدی که قدرت و امکاناتش اجازه می دهد این گروه ها را جذب نموده و مستقیما با ورزشی سازماندهی آنها اقدام کند و دیگر اینکه از طریق جزوات و نشریات اعلامیه ها و رادیو ... تجارب خود را در اختیار همه نیروهای انقلابی قرار دهد . البته واضح است که تمرکز بخش ارتباط مستقیم بر مراتب بیشتر است ولی مشکلات زیادی برای اینکار وجود دارد . از طرفی

هیچ شکی نیست که سازمان ما پس از سه سال و نیم مبارزه ی خونین در میان صفوف دشمن ، پس از سه سال و نیم مبارزه بی امان توأم با پیروزی و شکست ، اکنون خود را در جامعه تثبیت کرده است .

سازمان ما با بکار گرفتن تجربیات جنبش مسلحانه در سالهای اخیر اکنون کار را در سطح وسیعتری ادامه داده و مراحل نوینی از رشد و گسترش خود رسیده است . در این مدت دشمن نیز تجربیاتی بدست آورده و سیستم های نوینی بسرای مبارزه با جنبش برقرار کرده است . به علاوه کنترل پایسی و خفقان را گسترش داده است . خفقان پلیس و عمقیب و دستگیری وحشیانه ی دشمن بخصوص در مورد گروه های جوان و کم تجربه موجب ضربات زیسادی بر رزمندگان انقلابی می گردد . بسیاری از گروه ها قبل از اینکه به سه تجارب مشخص در امر مبارزه دست یابند و یا قبل از اینکه تجارب

شرایط اختناق حاکم بر محیط ارتباطات گروه ها را با یکدیگر و همچنین با ما مشکل کرده است و از طرف دیگر امکانات خود ما هم برای ارتباط گیری با این گروه ها محدود است. باین ترتیب گروه های زیادی وجود دارند که بدون اینکه ارتباطی با سازمانهای چریکی داشته باشند، کار را از صفر آغاز می کنند و گروه های زیادی نیز وجود دارند که با سازمانهای چریکی از طرفی ارتباط گرفته و آمادگی خود را برای پیوستن به سازمان اعلام می کنند.

چه مسائل و مشکلاتی برای عضوگیری و جذب گروه های ما و طلب وجود دارد؟

سازمان ما در زمینه گسترش تشکیلات با احساس مسئولیت بسیار برخورد می کند و بهیچ عنوان عضوگیری های غیر مسئولانه را نمی پذیرد.

با اعتقاد ما عضوگیری های بی رویه علیرغم

آنکه نیروهای سازمان را در کوتاه مدت از لحاظ کمی افزایش می دهد، از کیفیت کارها کاسته و یکتورم نامعقول در سازمان ایجاد می کند. ما به همراه رفیق نئین کبیر پیشوای پرولتاریای جهان معتقدیم که "بهتر است کمتر ولی بهتر باشد".

این سبک کار در زمینه گسترش سازمان بجا کمک خواهد کرد که به همراه یک رشد معقول و حساب شده انسجام و همگونی درونی سازمان را حفظ کرده، از پراکنده کاری و افزایش کمی بی رویه که سازمان را از درون متلاشی میسازد، اجتناب کنیم و سازمان را بر پایه های محکم و پولادین استوار سازیم.

با چنین برخوردی یا امر گسترش طبیعتاً ما نمی توانیم عناصر تعلیم نیافته و کم تجربه را در راس گروه های ما و طلب بفعالیت وارد کنیم بلکه برای سازماندهی آنها ناچاریم از رفقای با تجربه و تعلیم دیده خود استفاده کنیم. ولی با توجه به زیاد شدن گروه های ما و طلب در جامعه امکانات ما از این لحاظ خواه ناخواه محدود است.

نظامی خود بکاهد . بنیسان و سعست
بخشیدن به عملیات سیاسی - نظامی بطور
موقت با امر گسترش تشکیلات در تضاد قرار می
گیرد .

حال باید ببینیم که چگونه می توانیم

این تضاد را بفتح بقاء رشد یابنده جنبش
حل کنیم ؟

برای حل این تضاد باید به مسئولیتی که

سازمان در مقابل همه نیروهای اپوزیسیون

و بویژه گروه ها و محافل مارکسیست - لنینیست

دارد ، توجه کافی مبذول نموده این وظیفه تاریخی

و اجتناب ناپذیر ماست که برای رشد جنبش

ضد امپریالیستی در مهینمان هر چه بیشتر

گروه های انقلابی را سازماندهی کنیم و آموزش

دهیم . ما باید هر چه بیشتر تجارب سیاسی

نظامی و تشکیلاتی و تکنیکی و ... خود را

در اختیار گروه های دیگر قرار دهیم و با امر

ارتباط گیری با گروه های داوطلب کار و جذب

آنها بسازمان با نیدی تاریخی برخورد نمائیم

یعنی " اختصاص دادن بخشی از انرژی ها

و مغزها و بازوهای سازمان در این رشته و

بقیه در صفحه ۷۲

در نتیجه در مورد جذب و سازماندهی

گروه هایسی که با ما ارتباط دارند ما با یک

تضاد روبرو هستیم که حل صحیح آن اثری -

تعیین کننده در رشد جنبش و سازمان

ما خواهد داشت .

از یک طرف برای سازماندهی این گروه ها

می بایستی اقدام کنیم و از طرف دیگر باندازه

کافی کارهای با تجزیه و برزیده برای سازمان

دهی گروه های داوطلب که مرتبا در جامعه

افزایش می یابند ، در اختیار نداریم . در

نتیجه برای سازمان دهی و تشکل آنها مجبور

هستیم ، برخی از واحدهای منسجم و آماده

بکار خود را تقسیم نموده و با شرکت رفقای

تعلیم دیده و با تجربه این واحدها واحد -

های جدید را برپا سازیم . طبیعی است

که واحد های جدید در صورتی کار آیی

عقلی می یابند که مسعدهتی آموزش ببینند و

بر راه آموزش این واحدها سازمان بناچار است

بخشی و حتی گاهی بخشی اساسی انرژی های

خود را صرف کند . این امر باعث می شود که

سازمان بناچار از وسعت عملیات سیاسی -

اجرای موفقیت آمیز اعدام انقلابی فاتح یزدی

طرح (تاری وردی)

در اوائل تیرماه سازمان تیم ما را که از رفتاری مرحله جدید سازماندهی بعنوان یک تیم عملیاتی تشکیل شده بود مامور اجرای حکم اعدام انقلابی محمد صادق فاتح یزدی یکی از جنایتکاران مفسور کرد. فاتح صاحبکارخانجات جهان چیت بود که در نظر توده های کارگر صیباصلی واقعه خونین جهان چیت شناخته شده بود. قسمتی از شناسایی اطلاعاتی که شامل شناسایی اتومبیل، آدرس منزل و آدرس محل گنجینه فاتح بود قبلاً انجام شده بود و موارد شناسایی شده در اختیار تیم ما قرار گرفت. ما بایستی ساعات خروج و مسیرهای حرکت و نقاط مورد مراورا شناسایی می کردیم. علیرغم محافظت هایسه که از او می شد ما بدون اینکه توجه او یا عناصری را که همراه او بودند جلب کنیم تمام حرکاتش را مورد شناسایی دقیق قرار دادیم. بر اساس شناسایی های انجام شده ما تصمیم

گرفتیم در مسیر حرکت او بطرف کرج (محل کارخانجات جهان چیت) راه او را بستیم و اعدامش کنیم. ما می دانستیم که "انتخاب مکان عمل برای هدفهای متحرک بهمان اندازه اهمیت دارد که انتخاب زمان برای هدفهای ثابت از اینرو برای انتخاب مکان عمل بررسی و دقت زیادی نمودیم. ما برای عمل جاده فرعی که از اتوبان ایوبی بطرف آریاشهر منسحب می شد انتخاب کردیم که مسیری مناسب و نسبتاً قریب پلیس بود. نقطه راه بندان را هم داخل این جاده فرعی در قسمت غرب کارخانه برق آستسوا انتخاب کردیم که در این محل یک دال بتنی گسیمیانی داخل جاده سینه کشیده و عرض جاده را به ۶-۷ متر تقلیل داده بود (در بقیه ی نقاط عرض جاده ۹-۱۰ متر بود) فاتح روزهای فرد از خانه اش واقع در نیاروان از طریق پارک وی و اتوبان ایوبی وارد این جاده می فرمی شد

و پس از عبور از آریا شهر از راه اتوبان کرج به کارخانجات خود عیرفت .
مسئول کنترل جناح غربی صحنه .

ما یکشنبه بیستم مرداد ماه را برای اجرای حکم اعدام (روز صفر) تعیین کردیم . برای تهیه اتوبهیلی عطیات یکپخته قبل از عمل اتوبهیلی سرقت نمودیم و آنرا تا روز عمل در محل مناسبی نگهداری نمودیم .
مطابق صورت عطیات وظایف رفتاری عمل کنند باین ترتیب پیش بینی شده بود :

انجام عطیات در روز صفر
طبق صورت عطیات از عصر روز نوزدهم مرداد برنامه جهت روشن کاری سلاحها و تمرینات صحنه عمل و . . . نوشته شده بود . صبح طبق برنامه در ساعت تعیین شده رفقا شماره ۱ و ۲ جهت آوردن اتوبهیلی از پایگاه خارج شدند و در ساعت ۶/۵۰ رفقا شماره ۳ و ۴ را در سر قرار دیده و همگی با اتوبهیلی حرکت کردند . رفقا شماره ۳ و ۴ که بصورت کارگران ساختمانی لباس پوشیده بودند در نقطه ای نزدیک صحنه عطیات از اتوبهیلی پیاده شدند و بطرف صحنه حرکت کردند . شماره ۱

رفیق شماره ۳ مسئول عطیات و مسئول شلیک به فاتح . رفیق شماره ۵ مسئول حفظ جان راننده ، پیاده کردن او از اتوبهیلی و دور کردن او از صحنه و سپس دادن شمار و پخش اعلامیه . رفیق شماره ۱ (رفیق دختر) مسئول کنترل دو جناح غربی و شرقی صحنه ، رساندن مسلسل به رفیق شماره ۳ در صورت لزوم و پخش

-
- این عطیات بیاد رفیق کبیر "حسن نوروزی" که با نام مستعار تازی وردی خواند می شد نامگذاری گردید . تازی وردی نام انقلابی معروف حیدر عمو افغانلو بوده است و قهرمان دلاوری که نام "چکیده انقلاب" به او داده اند ، حیدر تازی وردی نام داشته است .
 - در عطیات چریکی روز انجام عمل روز صفر خوانده می شود .

تا راه را کاملاً بر او ببندد. اما راننده ی بسا احتیاط فاتح که از دیدن اوضاع غیر عادی گیج هم شده بود در ۷-۸ متری اتوبیل ما متوقف شد و منتظر ماند. بلافاصله رفیق شماره ۳ پرچم را بکناری انداخته بطرف اتوبیل فاتح حرکت کرد و در سمت او را باز نمود. در همین زمان شماره ۵ هم که از اتوبیل فاتح گذشته بود در پشت اتوبیل او قرار گرفته بود. پس از توقف اتوبیل با یک حرکت دورانی ۱۸۰ درجه تغییر جهت داد و پس از رسیدن با اتوبیل فاتح در سمت راننده را باز نمود. در این موقع راننده فاتح اتوبیل را بحرکت درآورد و آرام آرام به جلو حرکت نمود که شماره ۲ هم با مشاهده ی حرکت او بتدریج راه را کاملاً بر او بست. اتوبیل فاتح در نزدیکی اتوبیل ما متوقف شد. در این مدت که اتوبیل فاتح در حرکت بود چه گذشت؟ در این مدت شماره ۳ ده گلوله به فاتح جنایتکار شلیک نمود. رفیق شماره ۵ نیز بسا راننده درگیر بود که او را از اتوبیل بیرون بکنند. راننده مرتباً می گفت "صبر کن تا ماشین را خاموش کنم" پس از توقف اتوبیل شماره ۵ راننده را ۴

و ۲ هم برای دیدن اتوبیل فاتح و تعقیب و همراهی کردن او تا صحنه ی عملیات بسا نیاوران رفتند. در این فاصله شماره ۳ و ۵ به صحنه رسیده و مشغول کار شدند همچنین چندین سنگ شکسته و کوچک دال را به منظور چیدن داخل جاده و کم تر کردن عرض جاده آماده نمودند. همه چیز آماده بود. را ساعت ۸/۵ (هشت و پنج دقیقه) شماره ۵ از دور علامت چراغ شماره ۲ را دید (روشن و خاموش کردن چراغ ماشین). او فوراً به شماره ۳ اطلاع داد و خودش را سریعاً به آنطرف جاده رساند و پس از ریختن سنگهای دال بداخل جاده در جهت مخالف حرکت اتوبیل فاتح برآه افتاد. رفیق شماره ۳ نیز پرچم بدست در کنار پل سیمانی ماشین ها را امر به احتیاط و کم کردن سرعت نمود. اتوبیل ما رسید و سرعت خود را کم کرد. راننده ی فاتح هم به تبعیت از ما و با دیدن پرچم قرمز رنگ سرعت خود را کم کرد. شماره ۲ که سر اتوبیل را کنی متمایل بچپ کرده بود منتظر ماند تا اتوبیل فاتح نزدیک شود

اتومبیل بیرون کشید و با تهدید اسلحه با او
نهیب زد "پرو" تا هر چه زودتر صحنه را ترک
کند و از آسیب‌های احتمالی در امان باشد .

چون راننده هنوز حاج و واج بود شماره ۵ تیری
جلوی پای او شلیک نمود که راننده مانند فنر از
جا کنده شد و صحنه را ترک نمود . در این موقع

اتومبیل‌های چندی منجمله يك کامیون بصحنه
رسید ، سر نشینان آنها با تعجب و بدون
کوچکترین حرکت صحنه را تماشا می کردند و فقط

شاگرد راننده کامیون که گویا هنوز متوجه غیر
عادی بودن صحنه نشده بود ، بتصور اینکسه
تصادفی اتفاق افتاده بسرعت از کامیون پیاده

شد تا به طرف صحنه بیاید و از واقعه اطلاع
پیدا کند ، که با تهدید قاطعانه ش ۳ و تیسر
هوایی که ش ۱ برای متوجه کردن وی به واقعت

جریان شلیک کرده فوراً بسر جای خود
برگشت . رفیق شماره ۵ هم که قسمت او ل
و نظایفش تمام شده بود تیر خلاص فاتیح را بسوی

شلیک نمود و بجلوی صحنه آمد و فریاد زد
" زنده باد کارگر " ، " مرگ بر شاه خائن " .
مردمی که شاهد عملیات بودند با گوشه‌های

خود فریاد رزم آوری چریک‌های فدایی خلق را
که آینده امید بخشی مبارزه ، یعنی نایب‌بودی
حکومت ضد خلقی محمد رضا شاه و پیروزی خلق
را نوید می داد شنیدند .

سپس رفیق اعلامیه‌هایی که همراه داشت در
فضا پخش نمود . در همین زمان رفیق شماره ۳
با توپیل فاتح نزدیک شده و او نیز گلوله‌ای

بممنوان تیر خلاص را و شلیک نمود . با قرمان
شماره ۳ رفیق شماره ۱ در مقابل چشمان
حیوت زده ناظرین اعلامیه‌ها را در صحنه

پخش نمود و مردم ناظر عطیات این بار از زبان
يك دختر رزمنده فدایی خلق پیام چریک‌های
فدایی خلق را دریافت نمودند " زنده باد کارگر

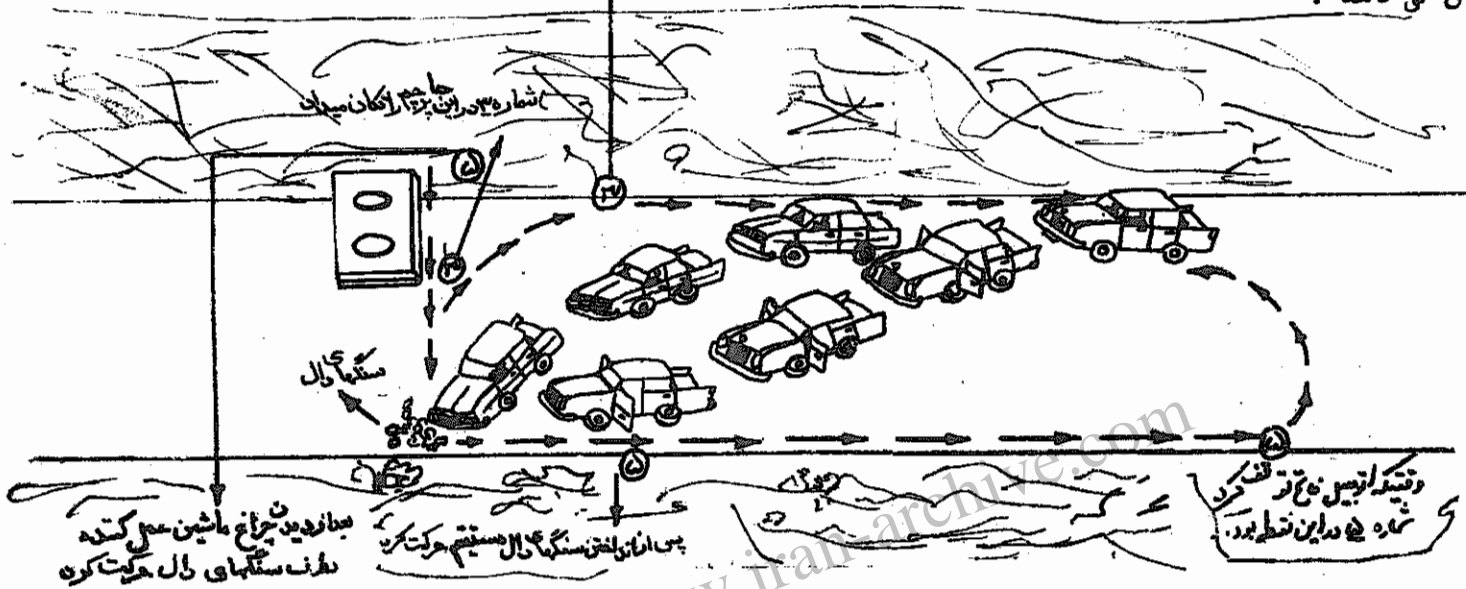
، زنده باد کارگر " ، " مرگ بر شاه خائن " .
با ادای کلمه " تمام " از جانب مسئول
عطیات رفقا همگی سوار اتومبیل شدند و شماره ۲

که در تمام مدت در پشت فرمان آماده بود ، اتومبیل
را بحرکت درآورد و همگی از صیبری که قبل‌شناسائی
شده بود از منطقه خارج شدید و به پایگاه مراجعت

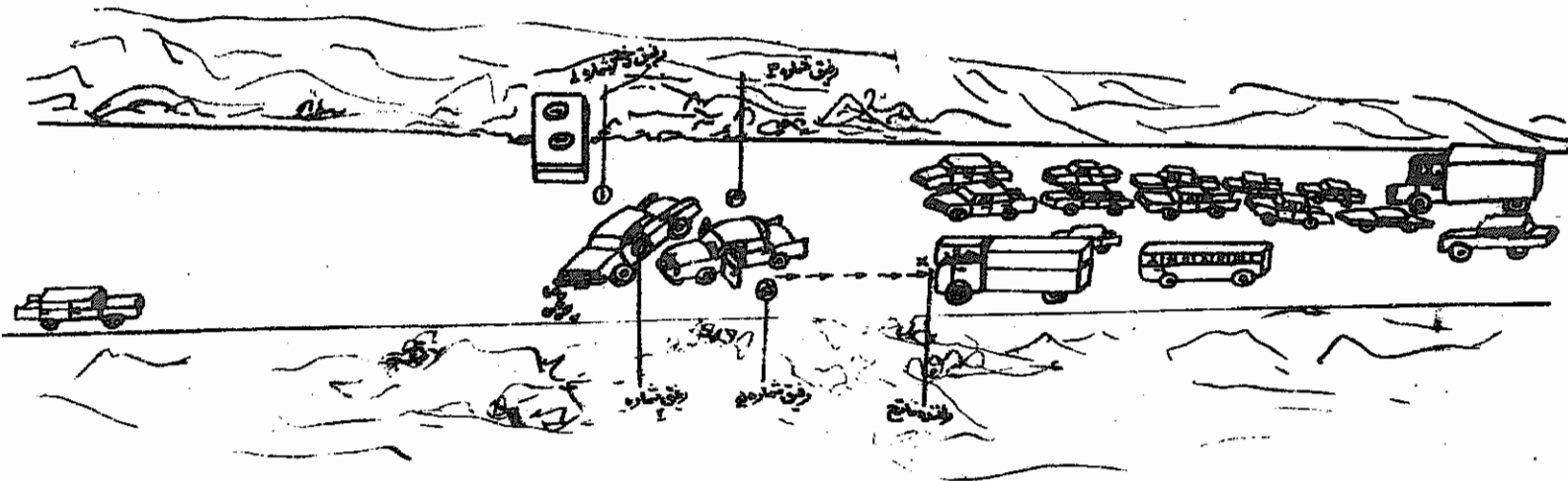
نمودیم .

تصویر ۱. متوقف کردن اتوبوس فایده تا توقف کامل
را لحظه بلحظه نشان می دهد.

نقطه میک آیزون مایخ در ۸-۷ متر از زمین عمل گشته است
پس از آن به راه افتاد و حرکت کرد



تصویر ۲. کل صحنه را در حین عملیات نشان می دهد.



متن اعلامیه ای که در صحنه عطیات پخش شد:

اعدام یکی از دشمنان جنایتکار

طبقه‌ی کارگر

بالاخره پس از سه سال انتقام خون کارگران
بیگناهی که در واقعه خونین "جهان چیت"
شهادت رسیده بودند باز ستانده شد .

با اعدام فاتح "سازمان چریک‌های
فدایی خلق" پشتیبانی مسلحانه و بیدریغ
خود را از مبارزات حق طلبانه کارگران
سراسر ایران اعلام میدارد و با صراحت به
دشمن هشدار می‌دهد که هیچ‌گونه جنایتی
را در حق طبقه کارگر ایران بی‌جواب نخواهد
گذاشت .

سابقه امر :

در اردیبهشت ماه سال ۵۰ کارگران

در یامداد روز ۲۰ مرداد ماه ۱۳۵۳ حکم
اعدام محمد صادق فاتح یزدی صاحب کارخانجا
معروف جهان توسط یک واحد از رزمندگان
سازمان چریک‌های فدایی خلق به مورد اجرا
درآمد .

دادگاه انقلابی خلق فاتح را به خاطر
نقش موثری که در کشتار کارگران جهان چیت
به عهده داشت و بخاطر حق‌کشی‌های ظالمانه
اش در حق کارگران به مرگ محکوم کرد و فاتح
خونخوار را به سزای اعمال تنگینش رسانید .

زحمتکش جهان چیت که از سنگینی مخارج زندگی و کمی دستمزد به تنگ آمده بودند پیاده از کرج به طرف تهران حرکت کردند تا از شرایط وحشتناک کار در کارخانه های محمد صادق فاتح یزدی که به نام کارخانجات جهان معروف است به وزارتکار شکایت کنند. دولت شاه که از اتحاد و تجمع ۲۰۰۰ کارگر خشمگین وحشت زده شده بود، طی توطئه مشترکی با فاتح خائن که حاضر نبود دیناری به حقوق کارگران اضافه کند سیل خروشان ۲۰۰۰ کارگر شجاع و مبارز جهان چیت را به خون کشید. چندین کامیون زاندارم با تفنگها و مسلسلهای آمریکائی و اسرائیلی کارگران بحق طلب جهان چیت را در کاروانسرا - سنگی واقع در نیمه راه کرج - تهران بیرحمانه به گلوله بستند. طی این یورش، بیش از ۲۰ نفر از کارگران به شهادت رسیدند و دهها نفر از آنها مجروح شدند. این جوابی بود که دولت شاه که حامی فاتح و تمام سرمایه داران است به کارگرانی داد که فقط قطعه نان بیشتری برای سیر کردن شکم زن و فرزند خود طلب می کردند.

سبب اصلی این جنایت بزرگ که بود؟ فاتح سرمایه دار زالوصفت و به قول خلق کرج چشم راست شاه خائن سبب اصلی این جنایت بود. فاتح یکی از مالکین ستکبار یزد بود که با استفاده از نزدیکی با خاندان ننگین پهلوی با زور دهقانان حاجی آباد کرج را از زمین هایشان بیرون کرد و زمینهای غرب کرج را تصاحب نمود. او با احداث کارخانجات بزرگ جهان و بهره کشی وحشیانه از کارگران و بخصوص کودکان بسرعت ثروت خود را به میلیونها رساند و با استفاده از پولی که از خون و عرق هزاران کارگر بدست آورده بود و با چاکسری و پیشکش کردن حاصل این خونها به محمدرضا شاه خائن، قدرت زیادی بدست آورد و مانند تمام سرمایه داران دشمن شماره یک کارگران شد. او سال های سال در از "۱۲ ساعت طاقت فرسا در شکجه گاه هایسی که نام کارخانه به آن داده است؛ تا ه تومان مزد پرداخت میکرد و با بی شرمی تمام می گفت:

"کارگر را باید گرسنه نگه داشت تا سرسبز و مطیع باشد" و به این ترتیب با وقاحت تمام رفتار

محشیانه سرمایه داران را با طبقه کارگر بیان میکرد و این رفتار را موجه جلوه می داد.

با اعدام فاتح نه تنها خلق ایران انتقام خون عزیزان خود را از دشمن گرفت بلکه جواب دندان شکنی هم به پايه گوئی های سرمایه داران داد و به دشمن نشان داد که با همه قدرت ظاهریش با وجود همه اسلحه هایی که امریکا به او داده است در مقابل قدرت مسلح خلق ناتوان است و بالاخره طی یک مبارزه طولانی با شرکت همه خلق بزانودر می آید.

سه سال است که مبارزه مسلحانه خلق ما آغاز شده است و مبارزه چریکهای انقلابی که فرزندان راستین خلق و حمتکش هستند بدون توجه به تبلیغات و پايه گوئیهای دولت شاه همچنان راه خود را ادامه می دهد. دولت شاه که با تمام کشتارها و حبس و شکنجه هاییش نتوانسته است این مبارزات را نابود سازد به منظور منحرف کردن افکار مردم چریکهای انقلابی را که برای نفع از حقوق خلق رنج دیده ایران اسلحه بدست گرفته اند و خرابکار و عامل بیگانه سرفری می کند و می کوشد از آگاه شدن و اتحا

همه نیروهای خلق جلوگیری کند. ولی دیر نیست که همه خلق ما به حقیقت پی ببرند و بخوبی دوست و دشمن خود را بشناسند. فقط در این صورت است که خلق ما خواهد توانست به اتحاد و یکپارچگی برسد و نقشه های دشمن را که سعی می کند از اتحاد خلق ما با چریکها جلوگیری کند بی اثر سازد.

هم اکنون هم دولت شاه از همه طرف با مبارزات خلق روبروست و از همه طرف دستگاه ظلم و ستمش تهدید می شود. کارگران مبارز ایران در طی اعتصابات متعدد مبارزه خود را را بر ضد دولت ضد کارگری محمد رضا شاه شروع کرده اند و همان کارگران رنج کشی که تا چند سال پیش از سرمایه دار به وزارت کار شکایت می بردند یعنی از گرگ پیش گرگ هارتر شکایت می کردند اکنون به مبارزات خشونت آمیز دست می زنند و در طی این مبارزات دسته دسته روانه زندانها و شکنجه گاه ها می شوند. دانشجویان و محصلین سراسر کشور طی اعتصابات و پخش اعلامیه و شعارهایی که روی دیوارها می نویسند حمایت خود را از مبارزه مسلحانه

اعلام می دارند و خود با تشکیل گروه های
ضربتی و مسلح در شهرستانهای مختلف به
دشمن ضربه زده و سعی می کنند نیروهای
پراکنده خلق را به میدان کشند و متحد سازند
میج مبارزه همه جا را فرا گرفته است و در مبارزه
ای دشوار و طولانی با شرکت تمام نیروهای
* خون جواپ هر خون * اینست پاسخی نهایی خلق ما بدشمنانش *

جاودان بمان خاطرهای شهدای چه ————— ان چیت

گسترده باد اتحاد نیروهای خلق و چریکهای انقلابی

درود بی پایان به کارگران مبارز ایران ————— ان

نابود باد دولت ضد خلقی و ضد کارگری محمد رضا شاه خائن

" چریکهای فدایی خلق "

خطایه‌ی توضیحی سازمان چریکهای فدایی خلق به کارگران ایران در رابطه با اعدام صاحب جنایتکار کارخانجات جهان

است . بخصوص در چند سال اخیر بعلمت
گرانی بی سابقه و ثابت ماندن دستمزدها زندگی
کارگران روز بروز دشوار تر میشود .

دولت ضد کارگری شاه خائن در سخن-
پراکنی های رادیویی و تلویزیونی خود با بی-
شرعی تمام زبان بدروغ گوئی می کشاید و از رفاه
کارگران ایران دم می زند . شاه ادعا می کند
که کارگران ایران از بیمه و بهداشت مسکن و
۲۰٪ سود کارخانه برخوردارند . چه کسی این
دروغها و نیرنگهای آشکار را باور خواهد کرد ؟
شاه خائن و بقیه سرمایه داران با حرص و طمع
روز افزون خود ، حق زندگی برای طبقه کارگر

۱ . شمه ای در باره دشواری زندگی
کارگران و فقر روز افزون آنان

کارگران مبارز ایران !

اکنون طبقه کارگر ایران زیر فشار مخارج کمر
شکن زندگی و گرانی شدید و بی سابقه روزهای
سختی را می گذراند . درحالیکه همه نعمت-
های زندگی مثل : پارچه ، گشتر ، بیخچال ، مگولر
. . . و خلاصه همه وسائل رفاه و آسایش
را طبقه کارگر تولید می کند ، خود در بدترین
و دشوارترین شرایط زندگی می نماید و از همه
نعمت هایی که خودش آنها را می سازد بی بهره

باقی نگذاشته اند. کارگری که در روز ۱۲-۱۰ تومان مزد میگیرد، مجبور است در ماه حد اقل صد تومان هم کرایه اطاق بدهد. راجع به بیمه باید گفت: کارگران رنج کس ایران، که بارها و بارها با وجود بیماری شدید در صحنهای طولانی به انتظار دکتر ایستاده اند و بعد از مواجه شدن با بد خلقی های دکترهای بیمه با گرفتن چند قرص کچی روانه گشته اند ماهیت تبلیغات دولت شاه را درک می کنند. سود ویژه هم که شاه عند کارگر آنقدر از تن دم می زند جزهای وهوی تبلیغاتی چیز دیگری نیست. معمولا همان عیدی و پاداشی که قبلا سالی یکبار به کارگر تعلق می گرفت حالا بعنوان سود ویژه پرداخت میشود.

در کارخانجات کفش ملی تا قبل از اعتصاب بزرگ و پیروز زندانه سال گذشته سود و دستمزدی که به هر کارگر تعلق می گرفت عبارت بود از یک جفت کفش ملی، یک پتیوی ۲۵ تومانی، یک کیلو روغن نباتی، ۵ کیلو برنج، یک کیلو قند و شکر و یک بسته چای. در بسیاری از کارخانجات دیگر نیز وضع به همین منوال است.

واقمیت اینست که کارگران ایران در کارخانه های که از لحاظ بهداشتی به هیچ وجه مناسب نیستند در هوای بسیار گرم یا بسیار سرد کارگاه که پر است از گازها و بخارهای مسموم کننده و صداهای سرسام آور روزی ۱۲-۱۰ ساعت کار می کنند. در چنین شرایطی بعد از چندین ساعت کار متوالی خسته شده و از پای می افتند و چه بسا دست و پا و انگشتانشان لای چرخها ماشین ها گیر می کند و بسختی مجروح می گردد. کارگران ایران خوششان ریخته و شیریه جانشان کشیده میشود تا یک عده سرمایه دار زالوصفت در هوای ملایم کاخ های خسوس استراحت کنند و به عیاشی و خوض گذرانسی بپردازند.

۲، چه کسی مسئول این فقر و حوادث

خونین است که در کارخانه ها

اتفاق می افتد؟

سرمایه داران خونخوار که با حرص و طمع

خود می خواهند هر چه بیشتر شیریه جان

کارگر را بکشند و هر چه کمتر مزد بدهند

مجرع شده خود را ملا مت می کند تقصیر خودش است که بی احتیاط و حرف نشنوست. دولت شاه جنایت کار می خواهد این حقیقت را پنهان کند که این قبیل حوادث معمولاً در ساعات آخر کار و وقتی که کارگر بعد از چندین ساعت کار دشوار و طاقت فرسا خسته شده است اتفاق می افتد و مسئول این جنایات سرمایه داران هستند که سعی می کنند تا آخرین رمق از کارگران کار بکشند.

۳. شاه و دولتش چه رابطه ای با

سرمایه داران دارند؟

همه کارگران ایران بخواهی میدانند که شاه و برادران و خواهرانش از بزرگترین سرمایه داران ایران هستند و در اکثر کارخانه جات ایران شریک می باشند. همه میدانند که رضاخان قدر سر سلسله خاندان ننگین پهلوی این همه ثروت را از برکت خوشخودی هائی که برای خارجی ها کرد بدست آورد. و پس از او فرزندان او با ادامه راه او و در پناه حمایت پول و اسلحه سرمایه داران

مسئول فقر روز افزون کارگران هستند. سرمایه داران با استفاده از نیروی کار کارگران مواد خام ارزان قیمت را تبدیل به محصولات و اجناس گران قیمت می کنند و استفاده های بزرگ می برند. مثلاً کارگران در شرایط دشوار کار خاکی را تبدیل به کاشی و پنجه را تبدیل به پارچه و تخم پنجه را تبدیل به روغن نباتی و بطور کلی با نیروی کار خود همه چیز می سازند. کارگران این محصولات را می سازند ولی فقط سرمایه دار است که از فروش این محصولات سود می برد. پس چه کسی جز سرمایه داران غنیمت آشام مسئول این فقر روز افزون کارگران هستند؟ سرمایه داران همچنین مسئول حوادث خونینی هستند که در کارخانه ها اتفاق می افتد.

دولت شاه سعی می کند در برنامه های تبلیغاتی خود در رادیو و تلویزیون گناه حوادث خونینی را که همه روزه در کارخانه ها برای کارگران رنج کسرت اتفاق می افتد به گردن کارگران بپندارد. مثلاً در اکثر نمایشنامه های رادیویی برنامه کارگران و بازیگر نمایشنامه از زبان یک کارگری که در حادثه ناشی از کسار

خشم آلود کارگران تبدیل به اعتصابات خشونت آمیز شود و به مال و جان سرمایه داران لطمه بزنند. همچنین وزارت کار اجازه نمی دهد سطح دست مزد در يك كارخانه از حد معیني بالاتر برود و اگر هم سرمایه دار در اثر مبارزات کارگران مجبور شود دست مزد ها را اضافه کند، چه بسا وزارت کار اجازه نمی دهد زیرا اگر مزد در يك كارخانه بالاتر رود کارگران كارخانه های دیگر هم برای بالا رفتن دست مزد اعتصاب خواهند کرد. بسیاری كارخانه های که وزارت کار با بالا رفتن مزد در آنجا - ها مخالفت کرده است.

در حقیقت اگر ظلم و ستم سرمایه دار بر کارگر واضح و آشکار است وزارت کار به اصطلاح با پنبه سر میبرد.

۴. کارگران مبارز ایران در مقابل تشدید فقر روز افزون خود به چه مبارزاتی دست می زنند

کارگران ایران که از فشار مخارج کمزگر زندگی و کمی دست مزد ها به جان آمده اند در سراسر ایران و در بسیاری از کارخانجات برای اضافه کردن دستمزد و بهتر کردن شرایط کار دست به مبارزه و اعتصابات خشم آلود زدند. در شرایطی که کارگران به روشنی می بینند و با وجود کار و زحمت زیاد دشمنان پایمال میشه و قادر نیستند حتی احتیاجات اولیه خود را فراهم کنند، برای گرفتن ابتدائی ترین حقوق

خارجی روز بروز به ثروت خود افزودند. پس دولت شاه وطن فروش حافظ منافعی سرمایه داران خارجی و نوکران ایرانی آنهاست و همه ادارات و موسسات خود را در خدمت سرمایه داران بکار انداخته است.

خارجی ها با کمک دولت شاه خائن نفست مس و چوپهای جنگلی و ذخایر معدنی دیگر و خلاصه همه ثروت های میهن ما را می برند در عوض با اسلحه های خود دولت شاه خائن را تقویت می کنند.

آنها به شاه اسلحه میدهند تا او با زور اسلحه و خلق زحمت کش ایران را بفتح خود - شان بکار بکشد. هم اکنون در بیشتر کارخانجات ایران سرمایه داران خارجی نیز شریک مسی - باشند و بسیاری از کارخانجات ایران متعلق بخارجی هاست.

از طرفی ارتش مزدور ایران با اسلحه های آمریکائی و اسرائیلی مسلح است و همیشه آماده است تا از هر جا صفای حق طلبانه ای بگو ش رسد با سر تیزه و گلوله آنها خاموش سازد. پس رژیم ایران و آریامهر با ارتش مسلح و مزدور از منافع سرمایه داران دفاع می کند. برای همین است که بر هر کارخانه ای که اعتصاب میشو بلافاصله ارتش شاه جلوی در کارخانه سبزی - شود و کارخانه را اشغال می کند.

دولت شاه همچنین وزارت کار را ایجاد کرده است برای اینکه وضع کارخانه ها را کنترل کند و تا آنجا که می تواند نگذارد اعتراضات

خود و برای سیر کردن شکم زن و فرزند خود راهی جز متوسل شدن به زور ندارند . کارگران شجاع و مبارز پالایشگاه آبادان در اعتصابات سال گذشته درخواست خود را اینطور مطرح کرده بودند : " ما از شما دستمزد نمیخواهیم فقط شکم زن و فرزند ما را سیر کنید " این درخواست کارگران صنایع نفت است که در مقایسه با کارگران صنایع دیگر از دستمزد نسبتا بالاتری برخوردار هستند .

در طی همین یکسال پیش در کارخانه جات شاه پسند ، کفش ملی ، چیت ری ، پالایشگاه تهران ، ایرانا ، لند رور و جهان چیت اعتصاب شد . در کارخانجات کفش ملی که بخاطر اضافه دستمزد های پرداخت شده یکماه و نیم در حال اعتصاب بودند ، بدنبال حمله وحشیانه ژاندارمها ، کارگران شیشه های کارخانه را خراب کردند و به تهدید صاحب کارخانه ، ایروانی خائن پرداختند . و به او اخطار کردند که در صورتیکه به تقاضاهای کارگران رسیدگی نکند و کارگران اخراجی را برنگرداند کارخانه را به آتش خواهند کشید .

در کارخانجات اسرائیلی ایرانا هم اصلا ل اعتصاب شد و کارگران که اضافه دستمزد های عقب افتاده ی خود را می خواستند وقتی در جواب درخواستهای حق طلبانه خود سرنیزه ارتش شاه را دیدند دست به مقاومت خشونت آمیز زدند . چندین نفر از سرپرست ها را به سختی کتک زدند و به مقیاس وسیعی دستگاهها را خراب کردند و محصولات کاشی ایرانا را شکستند . کارگران کارخانجات لند رور در اعتصابات اخیر خود بعد از درخواست ۶۰٪ اضافه دستمزد به خاطر بالا رفتن سرسام آور قیمت ها وقتی در مقابل درخواست خود با بی افتنایی و فحش و توهین کارفرما مواجه شدند ، کارفرما را تهدید کردند که اگر به درخواست ما توجه نکنی اعتصاب را به میدانهای شهری کشانیم . در کارخانه ی جهان چیت هم در اسفند ماه ۲۵ بار دیگسز اعتصاب شد و فاتح جنایتکار چند نسن از کارگران را به اتهام خرابکاری در دستگاههای کارخانه و اخلال در سیستم برق رسانی بمسئولان دادگاه و شکجه گاه های سازمان امنیت کشا .

همان کارگرانی که سه سال پیش در واقعه معروف جهان چیت از کارفرما پیش وزارت کار شکایت می بردند و این بار بخواهی آگاه شده بودند که دولت شاه و دولت سرمایه داران است و از سرمایه دار پیش سرمایه دار شکایت بردن نتیجه اش از قبل معلوم است . جریان از این قرار بود که بعد از واقعه ی خونین جهان چیت در سال ۵۰ فاتح که نمی توانست کارگران خشمگین را با شرایط قبلی بکار وادار کند و ۲۴ ساعت را به ۳ قسمت ۸ ساعتی تقسیم کرد و کارگران را به طور نوبت کاری ، صبح ، عصر و شب به کار واداشت . پایه حقوق را هم برای آرام کردن آتش خشم کارگران به روزی ۸ تومان و ۸ ریال بالا برد . ولی تا تابستان ۵۲ خبری از پرداخت اضافه دستمزدها نبود . این یکی از حیلها ی سرمایه داران است که وقتی کارگران جمع متحد هستند به آنها رده می اضافه دستمزد می دهند ولی وقتی آنها را پراکنده و سرکوب کردند و رده های خود را فراموش میکنند . اما کارگران مبارز جهان چیت تابستان پارسال با

یک اعتصاب دیگر رده های فراموش شده فاتح را به یادش آوردند و مجبورش کردند که پایه حقوق را عملاً به روزی ۸ تومان و ۸ ریال بالا ببرد و ولی فاتح طماع باز هم اضافه دستمزدها عقب افتاده در مدت ۲ سال را نپرداخت تا اینکه در اسفند ماه ۵۲ کارگران مبارز جهان چیت باز هم اعتصاب کردند و فاتح با کمال بی شری این بار هم به عده ای از کارگران مجلسی پرداخت کرد ولی اضافه دستمزدهای کارگران کارمزد را که اکثریت کارگران جهان چیت را تشکیل می دهند مبلغ ناچیزی برآورد کرد . این یک حيله دیگر سرمایه دارهاست که وقتی مجبور به دادن قسمتی از حق کارگری شوند برای برهم زدن اتحاد کارگران به عده کمی مجلسی می پردازند و حق اکثریت را یا نمی دهند یا نیمه کاره می دهند .

در اسفند ماه ۵۲ نیز فاتح علاوه بر پرداخت نکردن پاداشها بطور تام و کمال اضافه دستمزدهای کارمزد ها را هم مبلغ ناچیزی برآورد کرد و وقتی هم که کارگران برای گرفتن حق مسلم خود اعتصاب کردند ، جلادان

در کارخانه ها خون جاریست از دست های بریده شده ، انگشت های قطع شده و پاهای لهیده شده کارگران خون جاریست و کارگر از خون نمی ترسد . این سرمایه داران هستند که با استراحت در رختخواب پرفرو و هوای لطیف و ملایم شمال شهر عادت کرده اند و طاقت تحمل سرسوزنی درد و ناراحتی را ندارند . پس آنها هستند که باید از خشم طبقه کارگر بترسند ، آنها هستند که باید بترسند از روز هایی که در زیر لگد های نیرومند طبقه کارگر دست و پا می زنند و فرصت عجز و لایه را هم ندارند ، همانطوریکه فاتح در زیر پای فرزندان راستین طبقه کارگر یعنی چریک های فدایی خلق فقط توانست دستش را جلوی صورت جنایت بار خویش بگیرد . در حالیکه طبقه کارگر ایران در زیر فشار بیینی از حد شرایط دشوار کار و مخارج زندگی و گرانی شدید با وجود اینکه بیشتر از هر زمان دیگر با اسلحه های امریکائی و اسرائیلی دولت شاه تهدید می شود ، همه اعتصابات خشم آلود خود ادامه میدهند .

سازمان امنیت کرج عده ای از کارگران را دستگیر و شکنجه کردند و آنها را تهدید کردند که اگر تسلیم نشوید سگهای وحشی را به جانتان خواهیم انداخت . نگفته پیداست که کارگران شجاع و مبارز جهان چیت با شنیدن این تهدیدها و با رفتن به شکنجه گاهها از مبارزه دست نکشیده و تا گرفتن حق خود نیز دست نخواهند کشید .

در همین سال گذشته بود که کارگران اعتصابی پالایشگاه تهران وقتی که ^{استیضاح} سپهرند نصیری رئیس سازمان امنیت با یک گردان محافظ ^{سازمان} به پالایشگاه رفت و کارگران را تهدید به اخراج همگانی کرد همه کارگران با بی اعتنائی کارت های کارگری خود را جلوی او پسرت کردند .

واقصیت اینست که اگر چه شکنجه گاههای شاه بسیار وحشتناک و غیر انسانی است اما کارخانه های ایران از زندانهای شاه هم شکنجه زا تر هستند و کارگری که روزی ۱۰ الی ۱۶ ساعت در این کارخانه ها کار می کند تحمل خیلی شکنجه ها را دارد .

زندانشو شکجه را به چیزی نمی گیرد .

عکس العمل دولت شاه بیگانه پرست و سرمایه داران وابسته به امریکا و انگلیس در برابر مبارزات کارگران چه بوده است و دولت شاه به چه شیوه هایی برای برهم زدن مبارزات کارگران دست می زند .

دولت محمدرضا شاه سعی می کند در آغاز بوسیلهٔ راغنائی های وزارت کار با وعده و وعید و فریب و نیرنگ جریان مبارزات کارگران را بنبط سرمایه داران بی سروصدا پایان دهد زیرا رژیم تا آنجا که بتواند سعی می کند چهره ی پلید و ماهیت واقعی خود را به طبقه ی کارگر نشان ندهد . تنها پس از اینکه با مقاومت پیگیر و حق طلبانهٔ کارگران مواجه شد و نتواند کارگران را با حيله و نیرنگ فریب دهد ، بزور و خشونت متوسل میشود . ارتش مزدور و مسلح خود را چون سگهای هار زنجیری به روی کارگران حمله می کند و دسته دسته کارگران را به زندان و شکجه گاه می برد .

شاه جنایت پیشه تصور می کند که با سرکوب وحشیانه کارگران تسلیم شده و از مبارزه دست خواهند کشید . اما در یکسال اخیر برخلاف انتظارش با مقاومت کارگران حتی بعد از سرکوب وحشیانه رهبرو شده است . اکنون کارگران ایران حتی بعد از بیرون آمدن از زندان و شکجه گاه به مبارزات خویش با اشکال خشونت آمیزتری ادامه می دهند و دولت شاه روز بروز بکافی نبودن شیوهٔ سرکوب خشن پلیس می برد . بهمین دلیل شاه سعی می کند علاوه بر پیشنی گرفتن شیوه ی سرکوب وحشیانه در هنگام بروز اعتصابات ، کاری کند که از بوجود آمدن اعتصابات جلوگیری نماید . برای رسیدن باین هدف دولت شاه سعی می کند با انداختن تخم نفاق و اختلاف و حسادت بین کارگران از اتحاد آنان جلوگیری کند . اگر کارگران بر سر مسائل جزئی در داخل کارگاه با یکدیگر اختلاف داشته باشند کمتر بشکر ایجاد اتحاد با یکدیگر و مبارزه با دشمن مشترک خود خواهند افتاد . دولت شاه خائن بخوبی میداند که اتحاد کارگران بسا یکدیگر پایه های حکومت ظلم و ستم سرمایه داران

ضد انقلابی می‌دهند. این اقدامات بخشی از فعالیتهای ضد انقلابی رژیم شاه را تشکیل می‌دهد و وظیفه کارگران آگاه است که از فساد رفقا^۴ خود جلوگیری کنند و اجازه ندهند که دولت شاه از ناآگاهی عناصر خلق سوء استفاده کرده آنها را بجنایت قتل آدامس بکشاند.

۶. فاتح صاحب جنایتکار کارخانجات

جهان که بود؟ وجه میگرد؟

فاتح همان جنایتکاری بود که اعتصاب حق-

طلبانده کارگران جهان چیترا به خون کشید.

فاتح سرمایه دار خونخوار و بقول مردم کورج

"چشم راست شاه خائن بود" فاتح صاحب

کارخانجات متعدد و املاک وسیع در نقاط مختلف

کشور و حتی در خارج از کشور بود، در کورج

کارخانجات جهان چیت و روض نباتی جهان

آرهم و اینترنول و اینترلوب را بکفک پسر و داماد

هایش اداره میکرد. او همچنین در کورج

باغهای وسیع میوه و سردخانه عظیمی برای حفظ

و نگهداری میوه ها داشت. فاتح در شمال

باغهای وسیع جای و کارخانجات جای و در ریز

را تهدید میکند و با هیچ نیروئی نمی تواند جلوی آنها بگیرد. پس با فرق گذاشتن بیسن کارگران از لحاظ دست مزد و بعضی مزایا و با تحمیل وجود نماینده خود به عنوان نماینده کارگران و با سوء استفاده کردن از بعضی کارگران ناآگاه و بخدمت گرفتن آنها سعی می کند از اتحاد کارگران جلوگیری کند. کسی که معمولاً در کارخانه ها بعنوان نماینده کارگران انتخاب میشود نماینده ایست کسه کارفرما انتخاب کرده و شخص مذکور سعی میکند با تلقین های خود کارگران را از اعتصاب و مبارزه بازدارد.

دولت شاه همچنین سعی می کند عده ای

از کارگران ناآگاه را بخدمت خود درآورد و از

آنها برضد کارگران دیگر سوء استفاده کند.

باین وسیله دولت شاه در داخل کارخانجات

از خود کارگران عده ای جاسوس برای خود

تربیت می کند. این برنامه را تحت عنوان عطیا

دفاع غیر نظامی و نیروی پایداری انجام می دهند.

و حتی به بعضی از کارگران ناآگاه که مخصوصاً

انتخاب شده اند تعلیمات نظامی و آموزشی

املاک وسیع و کارخانجات پتوفاقی و پشمبافی
 در مشهد کارخانه کبریت سازی در شهریار
 املاک وسیع در هندوستان باغهای چای و
 در راه تهران اروپا هتل بسیار مجللی داشت .
 همچنین او صاحب یکی از شرکت های مقاطعه
 کاری بزرگ بود . فاتح این همه ثروت را از خونی
 و عرق هزاران کارگر و دهقان زحمتکش بدست
 آورده بود . او یکی از مالکین ستم کار یزد بود
 که دسترنج دهقانان زحمتکش یزدی را صرف
 خوشگذرانیهای خود و خانواده اش میکرد تا
 اینکه در پناه حمایت رضا خان قدر توانست
 املاک حاجی آباد کرج را که در آن هنگام از
 خالصه جات دولتی بود به قیمت ناچیزی بخرد
 و با بیرون کردن دهقانان حاجی آباد از روی
 زمین ها ، باغهای وسیع میوه اعداد کند .
 فاتح در پناه حمایت شاه و با ایجاد کارخانه
 جات و کار کشیدن بیرحمانه از کارگران و بخصوص
 کودکان کارگر روز بروز بر ثروت خود اضافه کرد .
 در حکومت سرمایه داران ایجاد کارخانه و باغ
 خیلی زود ثروت را زیاد می کند . وقتی فاتح خا
 با بهره کنی از کارگران و دادن کمترین مزد

بخورنمیری بآنها برای پارچه ای که تری . ۲۰ تومانی
 می فروشد فقط پنج ریال خرج میکند ، معلوم
 است که ثروت او بقیعت فقر روز افزون کارگران
 روز بروز اضافه میشود .

۷ . رابطه فاتح با دولت شاه

فاتح با خاندان تنگین پهلوی روابط
 نزدیک داشت و لقب فاتح را رضاخان قدر به او
 داده بود . شاه نیز به فاتح علاقه مخصوص
 داشت و هر بار که فاتح او را به املاکش دعوت
 میکرد و ثروت هایش را مثل یک نوکر خانه زاده
 شاه پیشکش میکرد شاه مالیاتهای عقب افتاده ی
 او را میبخشید ، فاتح هم از چاپلوسی و خوش
 خدمتی کوتاهی نمیکرد . در حقیقت فاتح در پناه
 حمایت دولت شاه دستش در غارت کردن اموال
 مردم پانزد و در کرج قدرت زیادی داشت بطوری
 که هر کارگری جرات مخالفت کرده و حرف حق می
 زد فوراً او را بیرون میکرد . پس فاتح با کشیدن
 خون دهقانان یزدی ، با آواره کردن دهقانان
 حاجی آبادی ، با کار کشیدن بیرحمانه و شبانه
 روزی از کارگران زحمتکش و مهتر از همبها استفاد

از نزدیکی به خاندان ننگین پهلوی و حمایت دولت شاه توانسته بود این همه ثروت و قدرت بدست آورد .

۸ . اقدامات به اصطلاح خیرخواهانه

فاتح و ارتباط آن با بخشایش مالیاتی .
حکومت سرمایه داران برای آنکه بتواند از خلق مالیات بگیرد ، قانونهایی برای مالیات وضع می کند . ولی برای اینکه سرمایه داران از پرداخت این مالیات معاف شوند تبصره ای بقانون اضافه میکند به این مضمون که اگر سرمایه داری موسسات خیریه بسازد از پرداخت مالیات معاف خواهد شد . به این وسیله سرمایه داران هم برای خود بین مردم سادماندیش و ناآگاه آدم خوب و نیکوکار معرفی میشوند و هم از پرداخت مالیات معاف خواهند بود .
فاتح هم با استفاده از حمایت خاندان ننگین شاه برای فریب عده ای از مردم کرج با قسمت ناچیزی از ثروتی که از مردم غارت کرده بود دست بساختن یک مدرسه حرفه ای ، یک بیمارستان و یک مسجد زد .

باین ترتیب اکنون که بدست توانای فرزندان خلق بسزای اعمال ننگینش رسیده است ، دولت در روزنامه های جیره خواهش او را آدم خیر و نیکوکار معرفی کرد . ولی تمام کسانی که از اعمال جنایتکارانه فاتح مطلع اند بخوبی میدانند که این حرفها فریبی بیش نیست . دولت هرگز نمی گوید که فاتح این بناها را به چه قیمتی و با چه جنایاتی ساخته است . سرمایه داران خون خوار در حالیکه خودشان به انواع و اقسام فساد آلوده هستند برای فریب مردم مسجد میسازند . کدام سلطان صاحب شرفی میتواند در مسجدی که از خون و عرق کودکان کارگر ساخته شده است نماز بگذارد ؟ سرمایه داران آدم کش در حالیکه خودشان در شرایط سخت کارخانجات خود هزاران نفر را بیمار و عمیل و معلول می کنند بیمارستان می سازند . مگر خواهر فاسد شاه اشرف پهلوی نیست که از سوسی جمعیت خیریه درست می کند و از طرف دیگر با قاچاق هرورین و تریاک جوانان ایرانی را به فساد و تباهی می کشاند و به روز سیاه می اندازد ؟ چنین است ماهیت اقدامات خیر —

خواهانه ی فاتح جنایتکار و سرطایه داران دیگر.

۹. شرح کامل جنایت جهان چیت
که با همکاری کامل فاتح و دولت
شاه صورت گرفت .

اردیبهشت ماه سال ۵۰ بود . کار سخت و
طاقت فرسا در کارخانه های جهان چیت جریان
داشت . روزی ۱۲ ساعت کار با ۶ تومان پایه
حقوقی مزد داده میشد . رقم مزد برای کودکان
و زنان که نیمی از کارگران واحد صنعتی جهان
چیت را تشکیل می دادند ۴-۳ تومان بیشتر

نبود . فاتح خونخوار مثل زالوی سمجی خون
کارگران را می مکید و اعتنائی به رنجها و درخوا-
ست
های کارگران نمی کرد . فشار زندگی بر کارگران
روز بروز بیشتر می گشت ولی فاتح گفتار با وجود
سن زیاد هر روز جوان تر و سالم تر می شد .
کارگران جهان چیت که از اینهمه زورگویی و جلا
خشگین شده بودند تصمیم گرفتند برای گرفتن
حق خود به وزارت کار در تهران شکایت کنند .
۲۰۰۰ کارگر شجاع جهان چیت که هنوز بدرستی
ماهیت پلید مقامات بالا و وزارت کار را نمی-

شناختند و هنوز به رسیدگی وزارت کار امید
داشتند پیاده از کرج بطرف تهران حرکت
کردند . دولت شاه که از اتحاد ۲۰۰۰ کارگر
خشگین وحشت زده شده بود طی توطئه ای
مشترکی با فاتح خائن که حاضر نبود دیناری به
حقوق کارگران اضافه کند ، دستور داد جلوی
راه کارگران را با شلیک گلوله بگیرند . کارگران
جهان چیت که تصمیم داشتند بیش از ۵ کیلومتر
راه را پیاده طی کنند و به تهران برسند بعد
از طی ۲۰ کیلومتر از راه مورد حمله ژاندارمهای
صلح قرار گرفتند .

کامیونهای پر از ژاندارم در کاروانسراستکی
و نیمه راه کرج - تهران کارگران زحمت کش را
که اسلحه ای جز ششهای گره کرده و خشکین خو
نداشتند برگبار مسلسل بستند و باین ترتیب
شکم کارگران گرسنه ای را که برای سیر کردن آن
دست باعصاب زده بودند با سرب مذاب پر
کردند .

عده زیادی در این واقعه مجروح شدند
و دست و پای خویرا از دست دادند و بیش از
۲۰ نفر نیز شهید گشتند .

پس از صدور حکم یگی از واحد های

چریکی سازمان "چریکهای فدایی خلق

تا مه اجرای این حکم شد. این واحد با وجود

تمام مراقبتهایی که دولت شاه از فاتح می کرد

توانست محل سکونت فاتح را در کامرانیه نیاروان

واقع در نزدیکی قصر شاه خائن پیدا کند و پس

تحقیقات بعدی از تمام حرکات او کسب اطلاع

نماید. سرانجام در روز یکشنبه ۲۰ مرداد ماه

۱۳۵۳ یک واحد ۴ نفری از رزندگان سازمان

توسط یک اتوبوس و ایجاد راه بندان مصنوعی

راه را بر اتوبوس بنزد گلوله اوبستند. یکی

از رفقا که مسئول دور کردن راننده از صحنه محمل

و حفظ جان او بود راننده را از ماشین بیرون

کشید و او را از صحنه عمل دور کرد و رفیق

دیگر با شلیک ده گلوله فاتح خائن را اعدام

کرد و به سزای اعدام ننگینش رسانید. در پایان

رفقا با فریادهای "زنده باد کارگر" و "مرگ پرشاه"

خائن "و پخش اعلامیه صحنه عمل را تسک

کردند و مسلمات به پایگاه خود بازگشتند.

باین ترتیب انتقام خون بیش از ۲۰ شهید

و دهها نفر را که در این واقعه ناقص المعصو

اکنون کارگرانی که در این واقعه خونین

ناقص المعصو شده اند قربانیان زنده جنایت

فاتح در کرج زندگی میکنند. در این واقعه

همچنین افراد دیگری غیر از کارگران جهان چیت

مجرم و کشته شدند. از جمله یک قصاب و یک

راننده زحمت کش شرکت واحد که هدیه گلوله

های زاندارها قرار گرفته و بقتل رسیدند. این

جواب دولت معترض شاه خائن بود به کارگرانی

که برای گرفتن ابتدائی ترین حقوق خود دست

به اعتصاب زده بودند. این جواب وزارت کسار

بود به تقاضاهای کارگران به خاطر دریافت نشان

بیشتر براف سیر کردن شکم زن و فرزند خستود.

۱۰. عکس العمل سازمان چریکهای فدایی

خلق به پشتیبانی از مبارزات کارگران

و گرفتن انتقام خون کارگران شهید.

پس از واقعه جهان چیت سازمان "چریکها

فدایی خلق" به بررسی آن پرداخت و آشکار

شد که فاتح نقش اصلی را در وقوع این

جنایت داشته است. به این جهت حکم اعدام

او در دادگاه انقلابی خلق صادر گشت.

شده بودند گرفتند . دولت جنایت کار شاه که از پیوند خلق با چریکهای انقلابی بیشتر از هر چیز وحشت دارد خبر اعدام فاتح را منتشر نکرد فقط در صفحه حوادث روزنامه های جی سره خوارش خیلی مختصر و بدون اینکه اسمی از چریکها بیارده نوشت : " فاتح یزدی کشته شد " . زیرا او از میزان کینه و نفرت کارگران نسبت به آن جنایت کار پست با خبر بود و حالا نمی خواست خلق فرزندان راستین خود " چریکهای فدایی خلق " را بشناسد و بداند چریکهای فدائی خلق نه خرابکار هستند و نه عامل بیگانه ، بلکه بدشمنان خلق ضربه می زنند و سعی می کنند خلق را بر ضد ظلم دولت شاه متحد کنند .

ما علی رغم ترس و وحشت دشمن از آگاهی خلق صریحا حمایت مسلحانه و بیدریغ خود را از مبارزات خلق کبیر ایران اعلام می کنیم و بدشمن اخطار می کنیم که هیچ گونه جنایتی را در حق طبقه کارگر و تمامی خلق بی جواب نخواهیم گذاشت .

سازمان " چریکهای فدایی خلق " بدشمن

هشدار می دهد که اینک طبقه کارگر و سایر نیروهای انقلابی خلق به منظور مقابله با دشمنان خود بتدریج قدرت مسلح خود را سازمان میدهند و از این به بعد جواب گلوله های دشمن را با گلوله خواهند داد .

۱۱ . درباره مبارزات نوین مسلحانه

خلق ایران

پس از کودتای ۲۸ مرداد که شاه فراری توسط امریکاییها و انگلیسی ها به ایران بسرگردانده شد و با پول و اسلحه بیگانه حکومت ملی و منتقل دکتر صدق را تصاحب کرد دولت شاه که عامل بیگانگان بود برای خفه کردن فریاد های حق طلبانه مردم سازمان جنایتکار امنیت را به وجود آورد و دستگاه های پلیس و ژاندارمری و ارتش را تقویت کرد .

بزودی خلق ایران به خاطر نداشتن یک رهبری سالم و یک سازمان مبارزاتی مستحکم صفوف متشکل خود را از دست داد و نا امید و پراکنده گردید در میان نیروهای خلق چیره گشت .

از آن پس هدف حکومت کودتا این بود که هر

تکلیف از مهارزه را در آغاز تشکیل شدن و در نظرفه خفه کند. در این مدت شاه خائن بارها مهارزات حق طلبانه و غیر مسلحانه خلق را بخون کشیده نمونه آشکاری که همه بیاد داریم قیام بزرگ خلق در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ است که با رگبار مسلسلها و شلیک توپ و تانکهای دشمن بخون کشیده شد. از آن پس نیز دولت شاه همه روزه با دستگیری گروه های مهارزاتی و انقلا پس می کوشید تا مانع رشد مهارزات خلق ایران شود.

نتیجه رسیده بودند که تنها راه مهارزه بر علیه رژیم "مهارزه" مسلحانه است و سایر شگلهای مهارزه بی بایستی در حول و حوش فصل مسلحانه جریان پیدا کند. دست بتدارک عطیات مسلحانه زدند و بالاخره در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهگل که توسط یک واحد از رزمندگان "چریکهای فدایی خلق" صورت گرفت مهارزات نوین خلق ایران آغاز گردید.

نیروهای پیشرو خلق ما نیز که هنوز کاملاً پشیموه واقعی و درست "عمل انقلابی" در شرایط موجود ایران بی نبرده بودند مرتباً بدون هیچ مقاومتی بدست نیروهای تعلیم دیده دشمن اسیر شده و بزندان کشیده میشدند و آنکه بتوانند قدم مثبتی در راه رشد جنبش انقلابی بردارند.

بهر حال مهارزات خلق ما که تا ۱۷ سال پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بعلمت سرکوب وحشیانه دولت پالیسی شاه خائن با بن بست رهبر بوده در سیر درست و صحیحی جریان یافت.

در سال ۴۹ مهارزتی که عملاً به ایمن شاه و دولتش که خود را با مهارزه ای واقعی

از آن تاریخ بعهد گروهها و سازمانهای مختلفی تشکیل شدند که همگی راه جنبش سیاهگل را ادامه دادند و بدشمن ضرباتسی وارد آوردند و نیروهای خلق را به آینده مهارزه امیدوار ساختند. زیرا اینها اولین گروه هائی بودند که پس از ۱۷ سال سکوت و بی عملی شروع بکار کردند و بجای حرف زدن عمل میکردند و سپس از اقدام به عمل با خلق بگفتگو می نشستند. به همین جهت هم سرعت توانستند اعتماد بخش وسیعی از خلق را بخود جلب نمایند و مهارزه مسلحانه را در سطح کشور گسترش دهند.

مبارزات پیگیر نیروهای انقلابی و آگاه‌های روزافزون خلق با شکست مواجه شد و مردم نشان دادند که دوست و دشمن خود را به خوبی می‌شناسند و فریب دستگاه تبلیغاتی دولت رانمی‌خورند. دشمن پس از شکست توطئه‌های تبلیغاتی اش لب از سخن فروست و توطئه سکوت را در مقابل عملیات انقلابی در پیش گرفت و پس از اعلام این امر که مبارزین نوین همه از بین رفته‌اند، دست از تبلیغات برداشت و کودلانسه

پنداشت که بدین ترتیب بتدریج تاثیرات مبارزات انقلابی از میان خواهد رفت. غافل از آنکه مبارزین هرگز از نبرد مقدسی که آغاز کرده‌اند دست برنخواهند داشت و تا پیروزی نهائی همچنان به مبارزه ادامه خواهند داد.

بدین سان بود که توطئه سکوت دولت شاه نیز با شلیک گلوله‌های چوبکی درهم شکست و فرو ریخت و یکبار دیگر افسانه قدرت دولت شاه را درهم شکست. مبارزین راه‌رهای خلق امروز پس از سه سال و نیم همچنان راه خود را در جهت کوتاه کردن دست بیگانگان از سرزمین زرخیز ایران ادامه می‌دهند

و جدی و روبرو می‌دیدند شخصی درک می‌کردند که همین مبارزین نوحاسته بالاخره در یک مبارزه طولانی آنها را از تخت ستمگریشان به پایین خواهند کشید. بهمین جهت از آغاز تا تمام نیرو برای سرکوب و جلوگیری از پیشرفت جنبش انقلابی دست بکار شدند و در جریان اقدامات انقلابی بیش از صد نفر از بهترین و شجاع‌ترین فرزندان خلق ما را بشهادت رسانیدند و هزاران نفر را بزدان کشیدند تا شاید بتوانند چند روزی بیشتر بحکومت ننگین خود ادامه دهند. ولی اقدامات وحشیانه‌ی آنها نه تنها مبارزه را متوقف نکرد بلکه مبارزین واقعی راه‌رهای خلق در جنگ وستیز با دولت شاه آبدیده شدند. از طرف دیگر شاه و دولتش بخاطر انحراف از همان خلق در رادیو تلویزیون و روزنامه‌هایش دست به توطئه تبلیغاتی بزرگی بر علیه مبارزین راه‌رهای خلق زدند. بدین ترتیب که میکوشیدند مبارزین را خوابکار و دزد و عامل بیگانه معرفی کنند و دقیقاً همان صفاتی را که خودشان دارند به مبارزین صحنه‌ها ببوند بزنند. ولی این توطئه نیز با

و تا از میان بردن تمام ستمبانی که به خلق ایران روا شده است از پای نخواهند نشست . و بالاخره در مبارزه ای طولانی و با شرکت همه نیروهای خلق دولت شاه بیگانه پرست را از تخت قدرت بزیر خواهند کشید و حاکمیت خلق را بر سر نوشت خود تأمین خواهند کرد .

* * *

کارگران و سایر نیروهای انقلابی برای بی اثر کردن توطئه های دشمنان مشترک خود چه بایستی بکنند .

اکنون تمام افسار و تمام طبقات خلق ایران ظلم دولت شاه را احساس می کنند . همه ی ما زورگوئی ها و غارتگری های دولت شاه را با گوشت و پوست خود لمس می کنیم . ما همه دشمن مشترکی داریم . همه ما از طرف دولت و که با اسلحه بیگانه ثروت ملی و نیروی کار خلق ما را تصاحب کرده و نثار سرمایه داران خارجی میکند مورد ظلم و فشار قرار داریم . در چنین شرایطی وظیفه ملی ما حکم می کند که هرچه

بیشتر صفوف خود را مستحکم سازیم و نیروهای خود را بر ضد دشمن مشترک متحد سازیم . امروز کارگران ایرانی بافجیع ترین وضعی از طرف سرمایه داران بیگانه و بیگانه پرست مورد بهره کشی و غارت قرار دارند . امروزه دهقانان ایرانی که زمین هایشان تصاحب شده و یا اصلاً زمین نداشتند و یا کم داشته اند آواره شهرها شده اند و در فلاکت و بدبختی در پیشست در کارخانه ها و مینا درین شهر بلا تکلیف اند . امروزه پیشه وران شریف و مبین پرست بوسیله ی سرمایه داران بیگانه و بیگانه پرست بتدریج از لحاظ اقتصادی رو بنابودی میروند و هر روز عده بیشتری کار و زندگیشان را از دست می دهند امروزه روشنفکران ایرانی که خواهان رفاه و آزادی خلق محروم خود هستند در قید و بند بسر میبرند .

در مقابل این همه ظلم و ستم و بیدادگری چه باید کرد ؟

هم میهنان تنها راه ما اتحاد همه نیروهای تحت ستم خلق است . همه کسانی که ظلم دولت شاه را با گوشت و پوست خود لمس می کنند

باید بگرد هم جمع شوند و دستهای خود را
بیکدیگر بدهند و صف یکپارچه و متحدی را
بر علیه دولت شاه و بیگانگان که از این دولت
حمایت می کنند تشکیل بدهند و بکشند
نیرویی از خلق را که از طرف رژیم با اعمال
توطئه های رنگارنگ در ناآگاهی نگاه داشته
شده اند نسبت به واقعیات آگاه سازند و حمایت
مبارزات نوین خلق را به همگان بشناسانند .

با این بسیج عمومی برای آگاهی ملی و ضد
امپریالیستی جنبش سلحشانه ی رهائی -
بخش خلق ما خواهد توانست در پناه
حمایت طبقه کارگر و تمامی نیروهای
دیگر خلق ستم دیده ایران رشد کند و تمامی
نیروهای خلق را در جبهه واحدی بسازد
علیه دشمن مشترک سازمان دهد و پیروزی
نهائی را برای خلق ایران بارمغان آورد .

پیروز و گسترده باد مبارزات طبقه کارگر و سایر نیروهای انقلابی خلق

سرگسر دولت شاه و اربابان بیگانه اش

مستحکم باد اتحاد همه نیروهای خلق

" با ایمان به پیروزی راحمان "

" چریکهای فدائین خلق "

جنبشهای مسلحانه، خلقهای آفریقا

گراتما ۱۲ مه ۱۹۷۴ مطابق با
یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۳

پرتقال و جنگهای آفریقا

یکی از تعیین کننده ترین عواملی که باعث حوادث انفجاری هفته گذشته و سقوط رژیم "مارچلو کاتانو" شده جنگ پیروزنده ای بوده است که جنبشهای آزادی بخش در آنگولا، گینه، بیسائو و موزامبیک دنبال کرده اند. پشتیبانی نظامی ناتو و نواب پرستان آفریقای جنوبی و رودزیا و صدها میلیون دلار کمک اقتصادی و نظامی نتوانسته اند جنبشهای آزادی بخش در مستعمرات آفریقای پرتقال را از بین ببرند. کاملاً برعکس، این جنگها رمق پرتقال را کشیده اند، قرضهایش افزایش یافته اند، در حالیکه سطح زندگی مردمش که از قبل پائین تر از سطح زندگی در اروپا بود کاهش یافته

ترجمه و انشاز سرمقاله "مجله" انقلاب موزامبیک "در شماره سوم "نبرد خلق" در حقیقت اولین گام جهت شناساندن جنبشهای مسلحانه و ضد امپریالیستی آفریقا از جانب ما بود. اما نیاز بیشتر خلق میهن ما و بویژه انقلابیون رزمند، ایران به آگاهی از مسائل خلقهای آفریقا و کسب تجارب بیشتر از جنبشهای مسلحانه و ضد امپریالیستی آفریقا ما را بر آن داشت که باین مسئله بیشتر بپردازیم. اینک "نبرد خلق" تحت عنوان "جنبشهای مسلحانه، خلقهای آفریقا" اقدام به انتشار یک سلسله مقالات که در شماره های آتی ادامه خواهد داشت می نماید. مقاله زیرین اول بار با عنوان "پرتقال و جنگهای آفریقا" در "گراتما" ارگان رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا انتشار یافته است.

یافته است. رژیم مجبور بود که چهل درصد از بودجه سالانه اش را به ملت سیاست دروغین "دفاع از تمدن و جهان آزاد" صرف مخارج نظامی بکند. نتایج این برنامه که ابتدا تحت نظر "سالازار و سپس "کاتانو" اجرا میشدند برعکس تمام انتظارات بود. از نطفه انقلابی که در سرزمینهای آفریقائی پاکرقت جنبشهای موفق و مستحکم مبارزتی مسلحانه سر بر آوردند. در گینه بیسائو، حزب آفریقائی برای استقلال گینه و دماغه سبز (PAIGC) استقلال جمهوری را در اواخر ۱۹۷۳ اعلام کرد و در آنگولا و موزامبیک جنبش آزادیبخش خلق آنگولا (MPLA) و جبهه آزادی بخش موزامبیک (FRELIMO) ناگامی عطیات استعمارگران و افزایش عطیات چریکها را در هر طایفه که میگذشت اعلام میکردند.

ژنرال اسپینولا رهبر شورای نظامی (هونت) کنونی پرتغال، در کتاب خود "پرتغال و آینده" اش "اعتراف کرد که اگر بودجه دفاعی ما به رشد خود ادامه دهد، ما بزودی به آخرین حد ممکن برای استفاده از منابع خود خواهیم رسید. ما باید این افسانه را که داریم از جهان

غرب و تمدن غرب در آفریقا دفاع میکنیم، از بین ببریم. حقیقت اینست که آن ضافع فریبی که ما مدعی دفاع از آنها هستیم اکنون با منافع خود ما تطبیق نمیکند. همچنین ما باید این افسانه را از بین ببریم که اساس طت پرتغال رسالت تمدن کردن (آفریقائیان) است. گوئی که ما باید این معنای نهفته در آن افسانه را قبول کنیم که گویا اگر ما از ایفای این وظیفه دست برداریم دیگر بصورت یک ملت باقی نخواهیم ماند. جنگ در آفریقا از طریق نظامی به پیروزی نمیرسد.

این اولین بار بود که این حقایق کهنه "کاتانو" و دارودسته فاشیست او از قبول آن امتناع میکردند در چهار چوب رژیم پرتغال به مردم اعلام میشدند. دو ماه پس از آن "کاتانو" سقوط کرد و شرایط جدیدی بوجود آمدند که به بخشهای وسیعی از مردم اجازه دادند که خاتمه جنگهای استعماری و بازگشت به کشور نیروهای مستقر در آفریقا را خواستار شوند.

گروه رهبری جدید هنوز به این تقاضای عادلانه جواب نداده است. در همین ضوال

وجود دارد .

کوشش برای اتحاد این دو سازمان و تاکنون دو بار شکست خورده است زیرا هولدن روبرتسو میخواد اول نماینده خلق آنگولا باشد .

۱۶۱ بهوشیکه دیگر هیچ امیدی نیست که

مذاکرات ثوری داشته باشند "امپلا" با حمله به نقاط استراتژیک در پایتخت و لواندا و بخشهای دیگر کشور مبارزه مسلحانه را آغاز

میکند . سرکوب وحشیانه ای که بدنبال این واقعه اتفاق می افتاد و بوسیله بسیاری شهود عینی بمثابة یک قتل عام در معنای کامل کلمه تشریح شد و موجب شد که شورای امنیت سازمان ملل متحد ختم این عطیات اختناق آور را از پورتقال خواستار شود .

۱۹۶۲ - نیروهای چریکی در جنگل های بخش

شرق کشور رشد می یابند و پرتقال مجبور میشود که نفرت بیشتری را به این مستعمره فرستاد و هزاران مهاجر را تعلیم نظامی داده و مسلح کند ۱۹۶۳ - تشکیل دولت آنگولا در تبعید

و رهبری "هولدن روبرتسو" اعلام میشود .

گزارش شده است که "هولدن روبرتسو" دارای

جنگ چریکی در افریقا ادامه دارد و وطن پرستان اظهار کرده اند که تاوشیکه پرتقال به خلقهای مستعمراتش استقلال آنها را نداده است و مبارزه ادامه خواهد داشت . تاریخ آنگولا و موزامبیک و گینه بیسائو که با خون بی پروای شهدایشان نوشته شده است و پراز نبردهای قهرمانانه برای آزادی ملی است .

آنگولا - آنگولا مساحتی برابر ۴۸۱۲۶۶ میل مربع (تقریباً یک میلیون و دوست هزار کیلومتر مربع) دارد و وسیعترین مستعمره پرتقال است . جمعیت کشور شش میلیون نفر و پایتخت آن لواندا است . آنگولا از نظر منابع زیر زمینی منجمه نفت آهن و مس و اورانیوم غنی است .

"امپلا" که در سال ۱۹۵۷ تشکیل شد در چهارم فوریه ۱۹۶۱ مبارزه مسلحانه را آغاز نمود . رهبر این سازمان "آگوستینونتو" میباشد .

همچنین سازمانی به اسم جبهه ملی برای آزادی آنگولا به رهبری هولدن روبرتسو

ارتباطات نزدیکی با "سیا" مییابد.

۱۹۶۴ - دولت پرتغال برای اولین بار

اعتراف میکند که جنگ با جنبش آزاد بیخشن آنگولا شدت یافته است .

۱۹۶۶ - "آگوستینو نتو" رهبر "امپلا"

ایجاد یک جبهه چریکی در بخشهای جنوبی کشور را اعلام میکند .

۱۹۶۷ - بیش از ۵۰۰۰۰۰ سرباز پرتغالی

یعنی نصف تمام سربازان پرتغال در آفریقا مدگیر جنگ با چریکها هستند .

۱۹۶۸ - "امپلا" در گویابیند (آ. آن

بخش از کشور که بوسیله کشورهای رتیر و کنگو برازیل و اقیانوس اطلس محاصره شده و از بقیه کشور جدا است) به یک حمله عمومی خور د کننده مبادرت ورزیده و پیروزیهای مہمی بدست می آورد .

۱۹۶۹ - سازمان اتحاد آفریقا تصمیم

میگیرد که "امپلا" را بعنوان تنها جنبشی که واقعا خلق آنگولا را نمایندگی میکند برسمیت بشناسد .

۱۹۷۰ - "امپلا" استفاده از مواد ضد

گیاهی و مواد شیمیائی دیگر علیه مردم غیر نظامی توسط استعمارگران پرتغالی را شدیداً تقبیح میکند .

۱۹۷۱ - "آگوستینو نتو" رهبر "امپلا"

اعلام میکند که تقریباً دوسوم کشور توسط چریکهای "امپلا" آزاد شده است و زیر بنای اقتصاد سیاسی و اجتماعی در نواحی آزاد شده در حال انکشاف است .

۱۹۷۲ - "امپلا" و جبهه ملی برای آزادی

آنگولا که تحت رهبری "هولدن روبرتو" است ، یک موافقتنامه برای فعالیت مشترک را امضا کرد و تصمیم میگیرد که یک مرکز هماهنگی برای عملیات نظامی برپا کنند .

۱۹۷۳ - موافقت بین دو سازمان از هم

می باشد . زیرا "روبرتو" میکوشد سازمان "امپلا" را از بین ببرد .

پرتغال اعتراف میکند که عملیات چریکها در

جبهه های مختلف تشدید شده است .

۱۹۷۴ - "امپلا" میگوید که مایل است با

مقامات جدید پرتغالی در مورد استقلال کامل کشور مذاکره کند ولی هر نقشه ای را برای ایجاد

فدراسیونی بین پرتغال و مستعمرات آفریقائی رد میکند .

دیگر در هم شکستند .

۱۹۶۱ - در سوم اوت این سال ، دومین

سالگرد قتل عام " پیچی گوینی " PAIGC رسماً
مبارزه مسلحانه را بعنوان تنها راه رسیدن به
آزادی آغاز میکند . .

۱۹۶۳ - در لیسبون وزیر دفاع پرتغال

" ژنرال مانوئل گومز آرایو جو " مجبور میشود
اعتراف کند که نیروهای شورشی پانزده در صد از
کشور را کنترل میکنند .

۱۹۶۴ - در حالیکه فعالیتهای چریکی

افزایش میابند ، نیروهای استثمارگر تور و اختناق
علیه مردم غیر نظامی را تشدید میکنند .

۱۹۶۵ - " امیلکار گابرال " اعلام میکند که

نیروهای PAIGC^E چهل درصد از سرزمین
با اصطلاح " گینه " پرتغال را آزاد کرده اند .

۱۹۶۶ - PAIGC^C اعلام میکند که یک جبهه

چریکی در جزایر دماغه سبز ایجاد شده است .
در همین حال از لیسبون گزارش میرسد که نیرو-

های تازه ای بمیدان جنگ ارسال شده اند تا
استعمارگران را تقویت کنند .

۱۹۶۷ - PAIGC^E هر ماه گزارشهای تازه

گینه بیسائو - گینه بیسائو جمعیتی برابرسر
۷۰۰ ۰۰۰ نفر و مساحتی برابر ۱۳۹۴۴ میل

مربع (تقریباً ۳۵ ۰۰۰ کیلومتر مربع) دارد .
پایتخت آن بیسائو است و قسمت اعظم اقتصاد

کشور بر پایه محصولات کشاورزی مانند بادام
زمینی ، برنج ، نارگیل و روغن نارگیل استوار است

حزب آفریقائی برای استقلال گینه بیسائو
و جزایر دماغه سبز (PAIGC^E) در ۱۹۵۶

توسط " امیلکار گابرال " که مدتها بعد بنقل
رسید ، تشکیل شد . این سازمان مبارزه ی

مسلحانه را در سوم اوت ۱۹۶۱ آغاز کرد و
دوازده سال بعد ، با در نظر گرفتن موفقیتها ی

عظیمی که کسب کرده بود ، در حالیکه هنوز
بخشی از کشور در تصرف استعمارگران بود ،

استقلال کشور را اعلام نمود .
۱۹۵۹ - مقامات استعماری ، یک اعتصاب

کارگران را در بندر " پیچی گوینی " با قتل
بیش از پنجاه کارگر و زخمی کردن صد نفر

شده PAIGC را بعنوان تنها نماینده خلق گینه بیسائو برسمیت می‌شناسد. "امیلکار کابرال" انتخابات قریب‌الوقوع مجمع ملی را بمثابة قدم اولیه برای اعلام استقلال گزارش می‌دهد.

۱۹۷۳ - جاسوسان ضد متکزار استعمار

"امیلکار کابرال" را در ۲۰ ژانویه بقتل می‌رسانند آرستیدیس پیرا " بجان‌شینی او می‌رسد. در جواب این جنایت PAIGC عطیات نظامی خود را افزایش داده و در مجمع عمومی خلق که در روزهای ۲۳ و ۲۴ سپتامبر در نواحی آزاد شده تشکیل شد، استقلال کشور را اعلام می‌کند.

۱۹۷۴ - کسی پس از کودتا علیه "کاتانو" PAIGC می‌گوید که دولت جدید پرتغال باید به جنگ تجاوزکارانه خاتمه داده و جمهوری گینه بیسائو و حقوق خلق، دماغه سبز برای استقلال واقعی و کامل را بلافاصله برسمیت بشناسد.

موزامبیک - موزامبیک جمعیتی برابر شصت میلیون و مساحتی برابر ۲۹۷۶۵۴ میل مربع (تقریباً ۷۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع) دارد.

پایتخت آن "لورزکومارکوز" نام دارد و محصولات

می‌دهد. معنی بر اینکه تلفات سنگینی به نیروها^ی استعماری وارد شده است. برای اولین بار در این جنگها، جنبش چریکی از موشکهای ۱۲۲ میلیتری در حملات خود استفاده می‌کند.

۱۹۶۸ - پس از استماع گزارش PAIGC

دائر بر اینکه جنبش چریکی دو سوم گینه بیسائو را کنترل می‌کند مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواستار استقلال بلافاصله مستعمرات پرتغال میشود.

۱۹۶۹ - ناحیه "بوم" آزاد میشود.

چهارسال بعد در این ناحیه موجودیست جمهوری اعلام میگردد.

۱۹۷۰ - "امیلکار کابرال" در سازمان

ملل متحد اعلام می‌کند که PAIGC مردم را تا بدان درجه متشکل کرده و بسیج نموده است که به جرات میشود گفت که سازمان قادر است به مرحله‌ی عالیتری از جنبش آزاد بیخس قدم بگذارد.

۱۹۷۱ - PAIGC اظهار می‌کند که

بدون کمک آمریکا و ناتو، پرتغال قادر نخواهد بود که جنگ استعماری خود را دنبال کند.

۱۹۷۲ - کمیته ضد استعمار سازمان ملل

۱۹۶۶- "ادوارد و موندیل" رهبر "فرلیمو" در جلسه کمیته استعمار سازمان ملل متحد آمریکا را متهم میکند که در سرکوب خلق موزامبیک به پرتغال کمک نظامی می‌رساند.

۱۹۶۷- حمله به پایگاه نظامی "موردا" مرحله تازه ای از مبارزه ی مسلحانه اوج گیرنده بشمار می آید. پرتغال مجبور میشود کنش‌های بیشتری به موزامبیک گسیل داشته و مجموع تسوی خود را در موزامبیک به چهل هزار سرباز برساند.

۱۹۶۸- "فرلیمو" اعلام میکند که یک پنجم استانیهای شمالی "نیاسا" "کابود لگادو و تیت" را آزاد کرده است.

۱۹۶۹- "ادوارد و موندیل" توسط یک یک بمب ساعتی که عوامل استعمار بوسیله پست از خارج برای او میفرستند در تانزانیا به قتل میرسد. "سامورا مایگل" بعنوان رهبر سازمان چریکی جانشین اوست.

۱۹۷۰- "فرلیمو" اعلام میکند که در ۶۴ عملیات وسیعی که در ظرف سال انجام شده ۱۶۰۳ سرباز پرتغالی کشته شده اند. در همین

اساس آن پنبه، چای، چوب‌عود، نیشکر و مغز نارگیل است. یک شرکت بین المللی مشغول ساختن سد "کابورا باسا" است که چهارمین سد بزرگ جهان میباشد و تولید سالیانه آن برابر ۱۸۰۰۰ میلیون کیلووات ساعت خواهند بود.

"فرلیمو" در سال ۱۹۶۰ تاسیس شد و مبارزه مسلحانه در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۴ آغاز گردید. رهبر کنونی جبهه ی آزادی بخش موزامبیک "سامورا مایگل" است. او بجای "ادوارد و موندیل" نشست که بدست استعمارگران در ۱۹۶۹ بقتل رسید.

۱۹۶۴- "فرلیمو" اعلام میکند که برای بدست آوردن استقلال کامل موزامبیک به مبارزه مسلحانه عمومی علیه استعمارگران پرتغالی میپردازد.

۱۹۶۵- "فرلیمو" اعلام میکند که مشغول مطالعه طرحی برای تشکیل یک حکومت موقت در نواحی آزاد شده است و در عین حال مبارزه مسلحانه را در سرتاسر کشور دنبال خواهد کرد.

مدت ۲۷۷ خودروی دشمن از بین رفته اند . خواهد شد .

۱۹۷۱- رژیم پرتغال از نژاد پرستان

آفریقای جنوبی و رود زیا برای مبارزه علیه وطن - پرستان تقاضای کمک نظامی میکند .

۱۹۷۲- يك جبهه تازه چریکی در استان

"مانیکا سوفالا" در بخش مرکزی کشور و نزدیک موزرود زیا باز میشود .

۱۹۷۳- "فرلیمو" به اهداف نظامی در

شهرهای تحت کنترل پرتغال حمله کرده و حملات خود را علیه راه هائیکه به محل ساختمان سد "کابورا باسا" میروند تشدید میکند .

قتل عام مردم غیر نظامی توسط استعمارگران

در تمام دنیا تقبیح میشود . فقط در يك شهر "ویریاو" چهارصد نفر آفریقائی که اکثر آنها را زنان و بچگان تشکیل میدادند به قتل رسیدند . اند .

۱۷۷۴- "فرلیمو" میگوید که تنها راه برای

خاتمه جنگ اینست که شورای نظامی تازه پرتغال حقوق خلقی موزامبیک برای استقلال را برسمیت بشناسد و هر نوع کوششی برای ادامه سیستم استعماری در شیوه های نوین باعث ادامه جنگ

بعضی اطلاعات مفید درباره

پرتغال

- در ۱۹۷۱ آمریکا و پرتغال معاهده ثن

امضا کردند که مطابق آن ایالات متحد هم پایگاه

هوائی "لاجسی" را در جزایر "آزور" بدست

آورد . در مقابل ، هدایای آمریکا عبارت بودند

از قرض از طرف بانک صادرات و واردات آمریکا

بمبلغ ۴۰۰ میلیون دلار و يك کمک ۳۶ میلیون

دلاری و يك کشتی نقشه برداری و همچنین

امریکا متعهد شد که مخارج گروه مستشاری

و کمک آمریکا را که در لیسبون بودند بجسای

دولت پرتغال پرداخت کند .

پس پرتغال حدوداً ۱۷۰۰۰۰۰ سرباز

در مستعمرات آفریقائی خود دارد : سی هزار

در گینه بیسائو ، هفتاد هزار در موزامبیک و

در همین حدود در آنگولا .

در حالیکه احتیاجات نفتی پرتغال ۵ / ۶

میلیون تن در سال است ، در آنگولا سالیانه

در حدود ۹ میلیون تن نفت استخراج میشود. بزرگترین کمپانی نفتی که در آنگولا کار میکند "کابیندا گالف اویل" نام دارد که یکی از شرکت‌های فرعی "گالف اویل کورپوریشن" آمریکا است و سال گذشته ۷/۵ میلیون تن نفت در آنگولا تولید کرد. جالب توجه است که قسمت اعظم نفت آنگولا به کانادا، آمریکا و ژاپن صادر میشود و پرتقال نفت مورد احتیاج خود را از کمپانیهای آمریکائی در ناحیه خلیج فارس خریداری میکند.

* * *

یک خبر

بنا به اطلاعات رسیده رفیق حبیب خسرو - شاعری از کادرهای علنی سازمان که بر اثر خیانت یکی از دوستان سیاسی که وابسته به یک گروه کار سیاسی بوده دستگیر میشود.

رفیق خسرو شاهی در مراحل بازجوئی و انمود میسازد که حاضر به همکاری با دشمن شده است و قرار ملاقاتی ساختگی را در زیر پل ساوه لومیدهد. رفیق با شناسائی که از منطقه ی قرار داشته است میدانسته که تریلی ها و کامیون ها در زیر پل ساوه به ملت شیب تند نمیتوانند ماشین را فوراً متوقف کنند. از همین روی رفیق تصمیم میگیرد این مکان را بعنوان مکان قرار افشاء کند تا بتواند در هنگامی که دشمن او را برای اجرای قرار ساختگی به محل مزبور می آورد به قصد خود کشی خود را زیر چرخهای بقیه در صفحه ۶۰

- ارزش عظیم جزایر دماغه سبز (کیپ ورد) برای پرتقال و مهندینش موقعیت ایسن جزایر است. این مجمع الجزایر که از پانزده جزیره کوچک و بزرگ تشکیل میشود در اقیانوس اطلس و به فاصله ۳۵۰ میل از سواحل آفریقا قرار دارد و دارای سواحل عمیق بسیار عالی برای کشتی رانی و موقعیت خوب برای پایگاه های هوائی است. هر چند که این موقعیت خوب تا کنون مورد استفاده ی شدید قرار نگرفته ولی واضح است که برای طراحان ناتو نقطه ی استراتژیک مهمی بشمار میرود که بوسیله آن

اخبار

اخبار داخلی

نیرو چریکی در لرستان نطفه مینند :

گروه مارکسیستی و مسلح رفیق شهید مجتبی خرم آبادی در اثر ارتباط با یک گروه روشنفکری که نسبت به مبارزه مسلحانه مردد بوده ضربه می خورد . نتیجه این ضربه لسو رفق خانه میدان توپا و متعاقب آن درگیری مسلحانه رفقا با دشمن در بامداد ۱۲ اسفند ماه ۵۲ بود .

در این نیرو نا برابر و طولانی رفیق خرم آبادی با برخورد قاطع و دلیرانه و بسا دفاع متمرکزانه و جسارت آمیز خویش در سهای بزرگی بدشمنان جنایت کار خلق ما و به مزدوران ساواک و آموزشهای پر ثمری به نیروهای انقلابی میهن ما ارائه داد .

بعد از این ضربه تنی چند از رفقای گروه مخفی شده و بالاخره بمد از ارتباط با گروه رفیق هوشنگ اعظمی و پیوند ارگانیک با

آن علی رغم امکانات کم و مصمم به گسترش مبارزه مسلحانه در روستاهای منطقه لرستان میشوند و در اوائل خرداد ماه سال جاری یک واحد از رزندگان گروه جهت گشت زنی و شناسائی در مناطق روستائی لرستان آغاز به حرکت می نمایند .

دشمن که از غیبت طولانی دکتر اعظمی و پاره ای گزارشات متوجه وجود یک دسته چریکی در منطقه شده بود با یک برنامه حساب شده و دقیق که بوسیله مستشاران یانکی ضد چریکی امریکائی طرح شده بود به تدارک جهت یورش و سرکوب جنبش میپرد آزد .

ابتدا منطقه وسیعی را بوسیله واحد های زاندارمری و ارتش ضد خلقی ایزوله می نماید و آنگاه کلیه امکانات آن ذوقه رسانی را سد می کند . این حرکت توأم با دستگیریهای وسیع از روستائیان زحمت کش و ایالات بوده است .

سر انجام در اواخر تیرماه محک دستمه

بدنی میشود .

۲ . جلوگیری از انتشار اخبار در تمام قراة

۳ . دستگیری های وسیع چه از اهالی

روستائی و ایلات و چه از روشنفکران انقلابی

• بطوریکه تا کنون بیش از ۷۰ نفر بازداشت

شده اند .

۴ . دستگیری کلیه افراد فامیل رفقا و

شکجه و آزار وحشیانه آنان • بطوریکه دشمن

به پدر دکتر اعظمی اوتیمانوم داده که در

صورت سر پیچی از همکاری رژیم و عدم تقبیح

فرزند در میان ایلات و اهالی روستاهای لرستان

کلیه افراد خانواده بقتل خواهند رسید .

عکس العمل خلق مبارز منطقه

چهره محبوب و خلقی دکتر اعظمی و سایر

افراد گروه را همه میشناسند • همه میدانند که

دکتر مدت هفت سال بطور پیگیر به مدد اوای مجانی

در میان ایلات مشغول بوده است .

توده های مردم بخوبی میدانند که رفیق

"هوشنگ اعظمی" توه قهرمان ملی و شایسته ی

کشف و بحد از تنگ کردن حلقه محاصره • رفقا

در اوائل مرداد ماه در حوالی روستاهای پاپولک

و "چگشی کش" مجبور به نبرد با نیروهای

ویژه و جلودار دشمن می گردند .

اما علی رغم مستعمل بودن سلاحها • رفقا

با شناختی که از منطقه داشته و با تکیه به عزم

و اراده انقلابی و روحیه تعرض و سلحشوری

• بعد از یک درگیری طولانی موفق به شکستن

حلقه محاصره مزدوران شاه خائن شده و در

پناه تاریکی و بطور متشکل میگریزند .

بدین سان فرزندان شایسته خلق بار دیگر

ارتش مزدور و رژیم را با آنهمه سلاحهای آمریکائی

و اسرائیلی و با آنهمه بوق و کرنا به ریش خنند

گرفته و ضعف روانی دشمن را عیان نمودند .

عکس العمل رژیم مزدور شاه خائن

در منطقه

۱ . میلیتاریزه کردن منطقه و استقرار حکومت

نظامی در شهرستان بوجود و بخشهای اطراف

آن (بطوریکه هر کس وارد شهر میکرد بازرس

مردم "شیرعلی مردان" است ، مردم پروچر و روستاهای منطقه و ایلات لرستان خاطره ی

* * *

خبری از رزندگان دلیر
گروه ابو نر

در اواسط تیرماه سال جاری ، بازماندگان گروه شهید عباد خدا رحمتی فرزند دلاور نهادند جهت اعدام انقلابی در استان دادرسی

ارتش سرلشکر خواجه نوری خائن اقدام می نمایند .

از آنجائیکه افراد پاسدار و مسلح و شرعی خانه خواجه نوری تمهید قابل ملاحظه ای بودند ، رفقا از خانه یکی از همسایگان و بعد از بستن دستها و پاها ی باغبان هصایسه وارد منزل خواجه نوری خائن میشوند . اما بحالت درگیری با پاسداران که منجر به يك زد و خورد طولانی و به شهادت رسیدن يك رزنده انقلابی و کشته شدن چند پاسدار میگردد ، رفقا صحنه عمل را ترك می کنند .

مبارزات مسلحانه مردمی و دلاوریهای او را که بر علیه ارتجاع سیاه رضاخان قدر بوده - است هرگز از یاد نبرده اند و هرگز فراموش نکرده اند که او چگونه فدائیکارانه جان در راه رهایی خلقها گذاشت و هیچ گاه ننگ تسلیم را نپذیرفت . انمکاس آن فدائیکاریها در ترانه های فلگوریک خلق قهرمان لرستان بوضوح دیده میشود .

آنچه مسلم است با اینکه این واحد چریکی هنوز جا نیفتاده و هنوز برخورد های نظامی زیادی بخود ندیده ، لیکن بحکمیت تضاد های شدید و تاریخی خلق " لبر " با رژیم دست نشانده ی شاه خائن در منطقه حمایت چشم گیری را برانگیخته است . دشمن مذبحخانه جهت سرکوب رفقا تلاش می کند مچرا که دامان خلق پناه رفقا است . مردم در پروچر و روستاهای اطراف ترانه های زیادی در جهت حمایت از واحد چریکی " دکتر " زمزمه می نمایند بویژه جوانان منطقه اشتیاق خود را جهت این

این عمل علی رغم اینکه به اهداف مشخص خود نرسید اما گویای روحیه رزمجویانه و آشتی ناپذیری فرزندان راستین خلق قهرمان ما می باشد. دشمن از انتشار این خبر بطور جدی جلوگیری نموده لیکن اعلامیه ای از طرف گروه در دانشکده صنعتی آریامهر پخش گردید.

ما صمیمانه ترین درودهای انقلابی خود را به این رزمندگان راستین خلق که بار دیگر خاطره فدائاری ها و جانبازیهای "عبادها" را زنده کردند تقدیم می داریم.

* * *

حماسه مقاومت

بیش از چهار ماه از دستگیری رفیق شیرین معاضد فدایی رزنده خلق میگذرد آخرین اخبار در اول مرداد ماه حاکی از این است: "در حالی که سینه و بیشتر اعضا بدن رفیق کاملا سوخته و مجروح بوده با دستهای در زنجیر و بحال اغما در یکی از سلولهای

انفرادی زندان کمیته دیده شده است.

بیشک خماسه شکوهند پایداریهای این چریک فدائی خلق و دیر یا زود در سطح وسیعی در میهن منعکس خواهد شد و اقدامات شاه جنایتکار و دارو دسته مزدورش را در مقابل خلق کبیر ایران و نیروهای مرفی جهان بازهم بیشتر افشا خواهد نمود.

* * *

انتشار خبر اعدام انقلابی فاتح

خائن در بیسن خلعتی

از تاریخ ۲۰ مرداد تا ۲۷ مرداد تعداد

زیادی اعلامیه جهت توضیح خبر اعدام انقلابی فاتح جنایتکار برای هم میهنان زحمتکش و محله های کارگر نشین تهران و کرج پخش گردید این اعلامیه ها اغلب بوسیله دستگاهی به نام بمب اعلامیه پختی کن که سیستم انفجاری بسدون خطری است پخش شد.

دستگاه اعلامیه پختی کن دستگاه کوچکسی

است که تعداد ۱۰۰ اعلامیه را به ارتفاع ۱۰ تا ۱۰

متر به هوا پرتاب و در محوطه نسبتاً وسیعی پخش میکند . نیروی پرتاب کننده در این دستگاه فشار گاز مفاکم شده ، ۱۰ گرم باروت است .

رفقاسی کارگر اغلب بعد از شنیدن صدای انفجار و دیدن پخش اعلامیه ها در هوا ، همراکشان به طرف اعلامیه ها دویده و با سرعت اعلامیه ها را جمع می کردند .

خبر اعدام فاتح علیزخم توطئه سکسوت دولت شاه به سرعت در میان خلق پخش شد و

رفقا در برخورد های روزانه شان با طبقات و قشر های مختلف خلق اظهار نظر های بسیار جالبی

از مردم شنیدند . چون در بالای اعلامیه با حروف درشت و با رنگ قرمز رابطه اعدام

انقلابی فاتح با شهید شدن کارگران جهسان چیست توضیح داده شده بود اغلب اظهار نظر

کنندگان در گفتگو های خود این رابطه را شرح می دادند . کارگرانی که اعلامیه ها را جمع

میکردند با شور و شعف خاصی از بی خطر بودن دستگاه صحبت می کردند و تاکید میکردند

که این دستگاه بمب بی خطری است که فقط

اعلامیه پخش می کند .

شدت کینه و نفرت خلقی زحمتکش ما از سرمایه

داران بیگانه پرست به حدی است که به زود عشاخ

شد چریکها قصد دارند . سرمایه دار دیگر

را نیز بکشند و حتی يك کارگر گفته بود چریکها

خیای و برخورد ار را نیز کشته اند (خیامی

صاحب ایران ناسیونال و برخورد ار صاحب

کارخانجات پارس الکتریک است) . خبر اعدام

انقلابی فاتح در بین دانشجویان نیز به سرعت

پخش شد .

از نکات جالبی که هم دانشجویان و هم

بیشتر کارگران به آن اشاره می کردند سالم ماندن

راننده فاتح در جریان عطیات بود . کارگری

در جواب يك رفیق که از او پرسیده بود پس

راننده فاتح چی شد ؟ جواب داده بود :

" داداش اونا که با راننده محفلت کار می

ندارند ، به راننده گفته بودند تو برو" .

* * *

* در شماره آینده نبرد خلقی تکنیک این دستگاه

توضیح داده خواهد شد .

خود می کنیم .

* * *

از آخر شعله بر میخیزد

یک نمونه دیگر از توطئه ی

سکوت دولت شاه

در مرداد ماه امسال خبر از حرکت یک واحد

چریکی فرماندهی رفیق انصاری در روستاهای

فارس و بختیاری داریم .

منبع خیر معتبر بوده ، لیکن اطلاعات

بیشتری فعلا در دسترس نیست .

"نبرد خلق" امیدوار است که بتواند

در آینده اخبار بیشتری از حرکت این واحد در

اختیار رفا بگذارد .

* * *

در اواسط تیرماه ماهورین ژاندارمری پاسگاه

ی مهرآباد که برای گشت و بازرسی به ستراح مسجد

در خیابان هاشمی وارد شده بودند ، درها را

بسته و اقدام به بازرسی بدنی افرادی که آنجا

بودند کردند . آنها بجای روپوشدن بسا

تلاقی تصادفا با یکی از برادران مجاهد

که برای استفاده از ستراح مسجد به آنجا وارد

شده بود روپوش شده و قصد بازرسی بدنی او را

می کنند که برادر شجاع ما سلاح کشیده و بسا

استفاده از یک تعرض تاکتیکی و بعد از کشتن

یک استوار ژاندارم و زخمی نمودن یک سرباز

موفق به شکستن حلقه محاصره مزدوران شاه

خائن شده و آنگاه در پناه ازحام خلق از منطقه

دور می شود .

دولت شاه که با توطئه سکوت قصد دار د

اعدام یکی از مزدوران رژیم

در ماه گذشته یکی از مزدوران رژیم شاه

سرگرد اهتزاز می که فرماندهی یک اکیپ گشتی

کمیته باصطلاح ضد خرابکاری بود بوسیله رزمندگان

یک گروه چریکی اعدام شد . ما از نام و مشخصات

این گروه اطلاعی نداریم و هنوز اعلامیه ای از

گروه مزبور به دستمان نرسیده است ، اما در

دور درود بی پایان خود را نثار رفقای د لاور

طلب شاهی سر انجام با يك اعتصاب خشم آلود و متشکل کارفرما را مجبور میکنند کلیه پولی را که بابت سود ویژه عنوان شده بود بپردازد . این اعتصاب بیش از ۱۲ ساعت طول نکشید .

*

در کارخانجات نساجی بهشهر همه ساله مبلغی بمنوان عیدی که برابر یکماه حقوق است بکارگران پرداخت میشود .

امسال چند روز قبل از امید کارگران بعد از مشاهده لیست متوجه يك حيله کارفرما شده و از دریافت پاداش امتناع نمودند .

از آنجائیکه در بالای لیست هیچ چیز قید نشده بود ، کارفرما می توانست این پول را بابت سود ویژه بحساب آورد . از این رو کارگران هم بطور متشکل اعلام نمودند تا زمانیکه در بالای لیست ننویسید ، " بابت پاداش " ما از دریافت آن خود داری می نطلبیم .

بعد از اخراج سه تن از کارگران پیشرو و معرفی آنان به سازمان امنیت ساری و بعد از ۱۲ روز بلا تکلیف ماندن کارگران ، هنگامی که میرفت نطفه يك اعتصاب بسته شونده کارفرما

حقیقت تثبیت مبارزه مسلحانه در جامعه را از خلق پنهان کند یا از انتشار اخبار درگیریهای مزد وراثت با چریکها خود داری می کند یا به دروغ پردازی متوسل می شود . بهمین دلیل این درگیری را نیز زد و خورد قاچاقچیان بسا واندارها قلمداد کرد و مسخره تر از همه اینکه در روزنامه های جیره خوارش اعلام کرد که " استوار واندانم در آخرین لحظات عمرش قاچاقچی ضارب را شناخته است و مأمورین اکنون در تمقیب او هستند ! " .

در کارخانجات

چهارشنبه دوم مردادماه ۵۳ در کارخانه نساجی شماره ۲ شاهی بعد از درخواست ها و اعتراضات مکرر کارگران بالاخره کارفرما مجبور به پرداخت پولی بمنوان ۲۰٪ سود ویژه کارگران در تاریخ فوق میشود . اما کارگران متوجه میگرددند که کارفرما بجای ۲۰٪ خیال پرداختن ۱۸٪ سود را دارد . کارگران حق -

تسلیم نظر کارگران مبارز بهسر میگرد .
کارگران اخراجی با سر سختی تمام حتی
پول ۱۲ روز بیکاری را نیز گرفتند .

* * *

*

اخبار خارجی

کارگران کارخانجات شمال طی سالیان دراز

مبارزه با کارفرمایان خود آنها را موظف به
پرداخت سالیانه ۶۰ کیلو برنج برای هر کارگر
نموده اند . علیرغم آنکه سرمایه داران وابسته
به بیگانه هر ساله به هنگام پرداخت "حق
برنج" طرفه رفته و سعی می کنند به نحوی
از انحاء از پرداخت آن شانه خالی کنند .
کارگران مبارز با مشتهای گره کرده و متحد خود
این موضوع را به آنان یاد آور میشوند .

در کارخانه "نماچی" بهسر تیرماه امسال
کارفرما بر تعداد اشتک پول برنج را با نرخ سال
های پیش یعنی کیلوئی ۱۰ الی ۲۰ ریال به
پردازد . در حالی که پائین ترین نرخ در بازار
کیلوئی ۵ ریال می باشد . بنا بر این کارگسرا^ن
با الهام از اعتصابات اخیر برادران کارگر خود
در شاهی بعد از یک روز اعتصاب در حالیکه
بخشی از اعتصاب به خیابانهای شه

ظفار (صوت الثورة ، شماره ۹۲ / ۹۱)

۳۰ آوریل (۱۹۷۴) .

گزارش نظامی :

در همان حالیکه نیروهای دشمن حمله
خود را با بمبارانهای هوایی و شلیک تیپخانه و
کارگذاشتن مینهای ضد نفرات تشدید میکردند
تا از اتباع بیگانه ط انتقام بگیرند ، ارتش
آزادی بخش خلق و میلیشیای خلق نیز به
مقاومت قهرمانانه خود میافزودند .

از ۲۱ مارس تا ۴ آوریل امسال نیروهای

کمی دشمن مرتبا و بسرعت از "صلاله" به نقاط
مركز دشمن فرستاده میشوند . نیروهای دشمن
بیهوده میکوشیدند که بخش موزی خط سرخ را
تصرف کنند . هر چند که نیروهای دشمن موفق شد
در نواحی عرسا و راکبه جای پائی بدست

آوردند و مبارزین ما بدقت حرکات آنها را زیر نظر گرفتند .

در جواب این عملیات دشمن و نیروهای ما مینهای ضد تانک را در راه حرکت متونهای ککی دشمن که از صلاله می آمدند کار گذاشتند و واحد های پیشتاز ما نیز با سلاحهای سبک و مسلسل های نیم سنگین و موشک آنها را شدیداً مورد حمله قرار میدادند. مواضع دشمن در زیربهاران مشرکز توپخانه، با قرار گرفته و بالاخره به محاصره ارتش آزاد بیخش خلق و ملیشهای خلق درآمدند . در تحت این ضربات مهلک ، پس از تحمل تلفات جانی و مالی سنگین و نیروهای مقدم دشمن مجبور به ترك مواضع خود و عقب نشینی به مراکز شمالی خود شدند .

در چهار روز اول آوریل ، جنگجویان ما حملات خود را علیه مراکز دشمن در صرفیست شمالی و ابو خمیسه ، در ناحیه گذرگاهی ، چند برابر کردند و حملات توپخانه خود را علیه تمام مراکز و پایگاههای دشمن تشدید کردند .

ارتش آزادی بخش خلق و ملیشهای خلق به دشمن حمله کرده و تعدادی از مراکز دشمن

را از بین برده و تلفات زیادی بدشمن وارد آوردند . در این شرائط که وحشت و گیجی به نیروهای دشمن مستولی شده بود ، آنها بسه حملات وحشیانه ی هوائی علیه نواحی مسکونی دست زدند . این چنین حملات انتقامی بیوانه وار نشان دهنده این واقعیت هستند که تلفات سنگینی به دشمن وارد آمده اند . تلفات دشمن ، تا آنجا که برای ما قابل محاسبه بود شامل سیزده نفر کشته و مجروح میشد . در هفت عملیات دیگر نیز تلفات سنگین جانی بدشمن وارد آمدند که هیچ رقم دقیقی از آنها بدست نیامد . در طی این عملیات ، هلیکوپتر های دشمن که برای جمع آوری مجروحین می آمدند قابل رویت نبودند . علاوه بر آن :

- ۱ . ۱۶ موضع دشمن از بین رفته و به ۱۲ موضع دیگر نیز خساراتی وارد آمد .
- ۲ . یک دستگاه مسلسل سنگین و مسلسل چپهایش از بین رفتند .
- ۳ . یک خود روی نوع بد فرود و دو دستگاه بیسیم منهدم شدند .

تلفات ما عبارت بود از مرگ شجاعانه رفیق

بکھیت نصیب ہر قوم .

از ۵ تا ۲۳ آوریل (از جمعہ ۱۶ فروردین تا سه شنبہ ۵ اردیبهشت) ، تلفات دشمن شامل ۴۸ نفر مجروح و مقتول منجمہ سے سرہا ز انگلیسی بود . وزارت دفاع بریتانیا ہرگز یکی از آنها باسم " سروان سیمونز گارشویت " اعتراف کرد . همچنین :

- ۱ . احمد محمد قرطوبہ فرماندہ نیروہا محلی العمری و معاون او توسط قوای ما بہ قتل رسیدند .
- ۲ . پچہارده مونس دفاعی دشمن منہدم شد .

- ۳ . یک دستگاہ بیسیم منہدم شدہ و بیسک دستگاہ دیگر بتصرف نیروہای ما درآمد .
 - ۴ . یک دستگاہ مین یا پوسہ تفنگ ۳۰ فٹ ان بتصرف ما درآمد .
 - ۵ . یک مسلسل سنگین و یک خود روی نوع بدفورد در برخورد با مین منفجر شدند .
- نیروہای انقلابی نیز متحمل این تلفات شدند :

۱ . چہار نفر از رفقای شجاع ما ، رفیق

محمد سمید حداد کہ عضو فرماندہی مجلسی در ناحیہی ظفار بود ، رفیق سالم سمید علی ، رفیق عامر محمد سالم ابو عبد الضم و رفیق عیسی احمد بکھیت غنیوہ ، شہادت رسیدند .
۲ . رفیق شجاع ما محمد سالم احمد ہرگز شدت مجروح شدہ و باسارت دشمن درآمد .

ظفار (صوت الشورہ ، شماره ۱۴)

۳۱۰ ۵ ۱۹۷۴ مطابق با جمعہ

۱۰ خرداد ۱۳۵۳) .

گزارش نظامی :

نیروہای ارتش خلق و ملیشیای خلسقہ ضربات خود را علیہ مهاجمین ایرانی ، امتحان کران انگلیسی و مزدوران محلی آنها کہ توسط رژیم قابوس نمایندگی میشوند ، تشدید کردند . در عمان حالیکہ وزیر اطلاعات رژیم مزدور اعلام میکرد کہ فعالیتہای شورشیان (نیروہا انقلابی) محدود بہ عطیات ابتدائی نیرانداز (با تفنگ) میباشد و حملات توپخانہی انقلابیون ما مواضع دشمن را در صرفیست و

و ناحیه گذرگاه منهدم میگردند .

عملیات نظامی ما را میتوان از اعلامیه های نظامی ۱۲۱/۷۴ تا ۱۲۲/۷۴ به این ترتیب خلاصه کرد :

۱. انقلابیون ما هشت عظیمات حمله ای توپخانه را علیه مواضع دشمن در شمال صرفیت و المفسیل در گذرگاه انجام دادند .

۲. جنگجویان ما با استفاده از سلاحهای مختلف به مواضع دشمن در جیده در شمال خط سرخ به دو حمله متوالی دست زدند .

۳. وقتی که دشمن پیهوده میگوئید که در خیصل بطرف نواحی مسکونی جلو بروید ، نیروهای ما پس از یک ساعت و نیم زد و خورد ، دشمن را متوقف کردند .

تلفات دشمن در این عملیات عبارت بودند

از :

۱. انهدام یک خودروی نظامی بدفسور و قتل یا جرح تمام سرنشینان آن که در اثر برخورد با مین اتفاق افتاد .

۲. قتل یا جرح بیست نفر از افراد دشمن .

۳. انهدام سیزده موضع دشمن .

نیروهای دشمن نواحی مسکونی را مورد حمله توپخانه قرار دادند ولی هیچ گزارشی از تلفات از جانب ما نرسیده است .

«وتنام جنوی در مبارزه»
کامیج :

نیروهای مسلح کامیج در تاریخ یکشنبه ۳۰ تیرماه (۲۱ ژوئیه) کلیه مناطق تحت کشت کائوچو در مناطق آزاد شده را که متعلق به سرمایه های خارجی بود ملی کردند .

قهرمان بزرگ کامیج «خیوسفان» در نبرد خمر سرخ ، در تصمیم گیری و اجرای آن شرکت مستقیم داشت .

شیلی :

حکومت فاشیستی شیلی با چنان مشکلات عظیمی روبروست که دولت آمریکا را وادار کرد تا دست و کمک های خود را بآن افزایش دهد .

نیویورک تایمز خبری دهد که مطابق آمار دولتی میزان تورم در سال گذشته در شیلی

بالاترین رقم در جهان یعنی ۷۰٪ بوده است. یعنی قیمت اجناس بیش از ۷ برابر شده است. کمکهای آمریکا به شیلی با وجود میزان فوق العاده خود کاری از پیش نخواهد برد. ولی تحیر انگیز ادامه روابط سیاسی عده ای از کشورهای سوسیالیستی با این حکومت است و از آن بدتر کمک ۳ میلیون دلار رومانی برای سرمایه گذاری در آنجاست.

* * *

تایلند :

عملیات مسلحانه نیروهای انقلابی خلیج تایلند در چند ماه اخیر شدت گرفته است. در شبیه ۵ ششم خرداد ماه ۲۷ صده نیروهای انقلابی طی حملات خود تلفات زیادی به نیروهای دشمن وارد ساخته اند و بطوریکه روزنامه "بانکوک ورلد" که ارگان مرجعین است اقرار نموده که شکستهای اخیر بزرگترین شکستهای دولت از نیروهای انقلابی است از هنگام شروع جنگ آزادی بخش تا کنون بوده است. تظاهرات دانشجویان تایلندی

علیه دولت مرتجع نیز شدت یافته است. میتینگ کارگران نساجی و کارگران پالایشگاه نفت و نمایندگان دهقانان قطعنامه ای مبنی بر محکوم کردن دولت و لزوم ملی کردن صنایع و اخراج امپریالیستهای امریکائی و ژاپنی صادر کرد. در این زمینه رادیوی "صدای خلق تایلند" اطلاع میدهد که در ماههای خرداد و تیر (ژوئن و ژوئیه) نیروهای انقلابی حملات مکرر و موفقیت آمیزی علیه دولت دست نشانده آمریکا انجام داده و مبارزه را به حدت جدیدی رسانیده اند.

* * *

مالزی :

کوالالامپور (آسوشیتد پرس ۷ ژوئن ۱۷ خرداد) .
صبح امروز مهترین پلیس مالزی "عبدالرحمن هاشم" پنجاه ساله در حالیکه در شلوغی ترافیک با اتومبیل بسرکار خود رفت و بضرر گلوله کشته شد و محافظ شخصی او نیز مجروح گردید. مقامات دولت مالزی هیچ تفسیر رسمی از این واقعه نداده اند. عبدالرحمن

بود که انقلابیون به يك محل پروژه ساختن شاهراهها در شمال مالزی کردند و ۳ و ۶ بولدوزر، کامیون، تراکتور و ماشینهای خاک برداری بقیعت تقریبی ۴ میلیون دلار را منفجر کردند. مقامات دولتی این حطه را شجاعانه ترین عمل پس از ختم اوضاع فوق العاده مالزی در ۱۹۶۰ بر شمرده اند.

دولت نیروهای رزنده انقلابی را حدود ۲۰۰ نفر تخمین می زند. بعضی تخمینهای دیگر این رقم را حتی تا ۱۸۰۰ نفر اعلام میکنند که قسمت اعظم تمرکز آنها در جنگها و کمینزارهای کائوچو در نزدیکی مرز تایلند و مالزی است.

* * *

و نژوئلا :

میثاق جنویس در مبارزه شماره ۲۴۲ آوریل ۱۹۷۴.

در شب ۱۵ مارس و صبح روز بعد چریکها چهار لوله نفت و گاز و يك مجتمع بزرگ انبار داری را در کاراکاس منفجر کردند و بیسک فروشگاه ۲۲ میلیون دلار خسارت وارد کردند.

بازرسی کل پلیس و رئیس بخشی ضابطه "خرابکاری کمونیستی" بود. سخن گویان پلیس گفتند که آنها هیچ رد پائی از مشخصات ضاربین بدست نیاورده اند.

این آخرین قتل سیاسی از يك سلسله برنامه های بدقت طرح ریزی شده ای بود که در آنها پنج نفر از افسران عالیرتبه پلیس ضد خرابکار مالزی را در شهرهای اصلی در این سال (میلادی) بقتل رسانیده اند. در موارد گذشته دولت يك سازمان مارکسیست - لنینیستی را مسئول اعلام کرده بود. در ماههای اخیر این سازمان فعالیت هر چه روز افزونتری داشته است.

منابع پلیس گفتند : این عمل بوسیله دو جوان انجام گرفته که بجلوی اتومبیل آقای عبدالرحمن دویده اند. وقتی که اتومبیل سرعت خود را کم کرد آنها اتقا پنج گلوله از يك اسلحه ی کمری بداخل اتومبیل شلیک کردند. آخرین باری که آنها دیده شدند بطرف ييك ایستگاه اتوبوس می دویدند.

این عمل تقریباً دو هفته بعد از حمله ای

آتش سوزی پس از وقوع انفجار ۱۲ ساعت بطول انجامید و صبح روز بعد فروشگاه را که متعلق به "خانواده" راکفلر " است از بین برد .

* * *

گواتمالا :

"گرانما ۵۵ ۱۹۷۴" یکشنبه ۱۵ اردیبهشت "ژوان دیاس آگویلا ر" زمیندار گواتمالائی که يك ماه پیش به اسارت گرفته شده بود ، پس از اینکه خانواده اش ۲۵۰ هزار دلار پرداختند ، آزاد شد .

"آگویلا ر" با رژیم گواتمالا روابط بسیار نزدیکی دارد و در ۱۹۶۶ کاندیدای ریاست جمهوری حزب دموکراتیک . . . بود . همان حزبی که اکنون بر سر کار است .

* * *

آرژانتین :

نیویورک تایمز ۲۹ مه ۷۴ ، چهارشنبه ، خرداد ۱۳۵۳

مطمئن ترین منبع مالی انقلابیون آدم —
ریائی در آرژانتین ادامه دارد .
در سه سال گذشته آدم ریائی پودر آمد —

ترین فعالیت در آرژانتین بوده است . بیشتر سروصداها بدور بودن نهی اعیان انگیز " ارتشی انقلابی خلق ای . آر . پی که يك سازمان چریکی مارکسیست است دور می زند .

مثلا اخیرا در يك مورد رکورد " چهارده ملیون دلار " پول برای آزادی "ویکتور ساموئلسون" مدیر شرکت امریکائی نفت آکسون ببار آورد . اما نسبت به گل ، تعداد کمی از آدم ریائیها شامل بودن مدیران خارجی سنگین قیمت است . از بیش از پانصد نفری که در سه سال گذشته با پرداخت بین ۵۰ میلیون دلار آزاد شده اند فقط ۲۹ نفر خارجی بودند . پلیس گزارش می دهد ، که چریکها زدن بانکها را تقریبا بطور کلی فراموش کرده اند و بجای آن به آدم ریائی پرداخته اند .

قضیه از ۱۹۶۸ شروع شد . نوهی خرد سال يك روزنامه نگار بزرگ اولین آرژانتینی بود که بدام چریکها افتاد .

در ۱۹۶۹ دو آدم ریائی اتفاق افتاد و در ۱۹۷۳ این رقم در حدود ده آدم ریائی در هفته بود .

در روشن گذشته آقای "لاکوود" به شیوه -
 ان بوده شد که حالا تقریبا شیوه "کلاسیک"
 آنم ریائی شده است . در ساعت شست و پنج
 همینکه او از خانه خود در خارج شهر بیرون
 آمد تا با اتومبیل بسر کار خود برود ، دو ماشین
 جلو و عقب ماشین او را بند آوردند و چند چریک
 مسلح به رولور و مسلسل از ماشین سوم بیرون
 آمده و او را اسیر کردند .

تقدیم به رفقای در بند

خان ای تکیده قاصد من
ای رفیق

بقیه از صفحه ۵۰
تربلوی بیندازد .

دیوار تنگ همین نفاکت
 بر خود میفشرد تن روحت را
 بر خود صیقل زین همه تنگی
 بر خود صیقل زین همه تاریکی
 خورشید پشت پنجره در انتظار تست .
 نشان ای نشسته به خوی
 ای مرد

در روز قرار رو دشمن منطقه را با بیش از
 ۱۰ کیلی متر میگردانند و رفیق خسرو شامسی
 را سر قرار میفرستند . رفیق در اواسط مسیر
 خود را زیر چرخهای یک کامیون برتاب میکنند .

بگذار تازانه فرود آید بر بند بند بیکر خونینت
 بگذار زخم ، زخم دگر زاید
 بگذار لاله شکوفاند از تازه زخم ، تازانه دشمنی
 بگذار خون تازه بپیراید اندام پاک مرد میت را
 لبخند سحر لاله ی خون آوند
 فردای زند می ما را فریاد میکند .

اطلاعاتی که رسیده حاکی از آن است که
 رفیق علی زخم شکستگیهای شدید در بدنه
 نفوز زنده است . بهر حال اینک یکی دیگر از
 دلیرترین فرزندان خلتز ما که بدعتی تازه در
 مقابله با دشمن از خود بجای گذاشته است در
 دست دشمن اسیر است و میکوشند او را

شهادت يك قهرمان

مقاومت

زبان نیاورد. مقاومتی که در خور تحسین و ستایش است. پس از ۶ روز رفیق قهرمان آدرس منزلی را که در صورت اسارت رفیق میبایست فوراً تخلیه شده و برای دشمن مین گذاری گردد افشاء نمود و دیگر هیچ اطلاعی نتوانستند از او بدست آورند از آن پس رفیق جمشیدی در سلول انفسراری جدا از دیگران نگهداری میشد و به تناسوب مورد شکنجه قرار میگرفت. مزدوران شکنجه گسر که رفیق را کشته اعلام کرده بودند بدون ابا و سورا آزار میدادند و رفیق جمشیدی این قهرمان مقاومت دو سال شکنجه ی تدریجی را تحمل کرد و نمونه ای از زنده از مقاومت چریکی از خود بجای گذاشت تا آنجا که ما میدانیم هیچ مبارزی را رژیم تا این مدت طولانی تحت شکنجه و آزار قرار نداده است و یک چنین امری کاملاً بی سابقه بوده است. ولی دشمن حتی پس از دو سال با بکار بردن تمام شیوه های غیرمعمول بقیه در صفحه آخر

از زندانهای رژیم خیر رسیده است که رفیق قهرمان عباس جمشیدی رود باری پس از دو سال شکنجه در يك سلول انفرادی شهادت رسیده است. در تیسر ماه سال ۵۱ رفیق عباس جمشید رود باری در يك درگیری خیابانی بر اثر اصابت گلوله به جمجمه اثر بییهنوش شد و زنده بدست دشمن اسیر گردید. رفیق در این درگیری چندین گلوله ی دیگر نیز خورده بود و از این روی در حال اغما قرار داشت. عناصر دشمن بلافاصله دستور مستشاران اسرائیلی و رفیق جمشیدی را با هواپیما به تل آویو بردند تا تحت تد اوای پزشکان ماهر صهیونیست بهبود نسبی یافته و آماده شکنجه شود. رفیق را در اسرائیل پس از مداوای اولیه تحت شکنجه قرار دادند. رفیق جمشیدی در آن وضعیت تا ۶ روز دلاورانه مقاومت ورزید و کلمه ای هر

فرزندان راستین خلق

شرح مختصری از زندگی رفیق کبیر حسن نوروزی

(۱۳۵۲-۱۳۲۴)

رفیق حسن در سال ۱۳۲۴ در يك خانواده کارگری در محله راه آهن تهران متولد گردید. پدرش از مهاجرین قفقاز بود که پس از مدتی مبارزه با رضا خان قلدردر گروه های ضد دیکتاتوری به حزب توده پیوست. سالها پس از پیوستن به حزب توده متوجه اپورتونیسم رهبری حزب توده شد و مانع بسیاری دیگر از پرولترهای آگاه حزب خود را از قید رهبری مانند فاسد کمیته مرکزی رضا ساخت و از حزب کناره گرفت. روحیات و خصصتهای ضد اپورتونیستی پدر و آزادگی وی از دوران کودکی شرایط مناسبی برای رشد آگاهی و روحیه تعرضی حسن که کودک بسیار مستعد و با هوش بود فراهم آورد. پدرش با او آموخت که هرگز با دشمنان خلق سازش

نکند و تا جان در بدن دارد بمبارزه بی امان بر علیه دشمن ادامه دهد. پایان زندگی پدر بزرگترین و آخرین درس انقلابی او بود که پفرزندش داد و تاثیر شکر بر حسن باقی گذارد. حسن ۹ ساله بود که پدرش با جمعی از یاران همراهش در سال ۱۳۳۴ در شرایطی که کمیته مرکزی فاسد حزب توده کادرهای فداکار حزبی را رها ساخته و میدان مبارزه را خالی کرده بود، در جریان يك عمل فدایی دست به يك اقدام متضادانه بر علیه رژیم کودتا زدند و با خارج ساختن يك قطار محمولات نظامی از خط آهن و انفجار آن ضربه ای سخت بر حکومت کودتا وارد ساختند. اگر چه این قهرمانان آشتی ناپذیر خلق در جریان این

عملیات بشهادت رسیدند ولی نامشان در سینه تاریخ مبارزات خلقی ما ثبت گردیده و تا ابد زنده خواهد ماند .

این عمل نشاندهنده آن بود که سنسگر مبارزه در شرایطی از طرف رهبران حزب خالص شد که توده های حزبی آمانگی جانبازی و نبرد و جلوگیری از پیروزی ارتجاع را داشتند و ولی عدم مرکزیت سالم و انقلابی باعث شد که نیروهای آمانه خلق بهدر رود و روحیه ی مصمم و پرشور توده ها بیاس و نویسدی تجدیل شود .

پس از شهادت پدر حسن که بیش از ۹ سال نداشت مجبور شد ضمن تحصیل بکارگری بهر دزد چند سالی بدین منوال گذشت تا این که ادامه تحصیل دیگر برای حسن مقدور نبود و وضع مالی و شرایط زیست طوری نبود که حسن بتواند با خیال راحت تحصیل کند و ازین رو و حسن نیز مانند ملیونها تن از فرزندان توده های زحمت کش که امکان ادامه تحصیل ندارند مجبور بترك مدرسه شد از آن پس حسن بکارگری رفت و بعنوان شاگرد پاد و در اینجا و آنجا

در نزد استاد گاران پیشه هر بکار پرداخت نجاری - شیشه بری و بالاخره فلزکاری و لوله کشی مشاغل گوناگون رفیق را در این دوره تشکیسل میدادند. در این ایام رفیق حسن برخی از آثار ادبیات انقلابی را که جزو کتابهای پدرش بود میخواند و سطح آگاهی خود را ارتقاء میداد .

۱۴ ساله بود که خانواده اش را ترك گفت و در جستجوی نان به جنوب کشور رفت و در بندر عباس و بندر بوشهر بکارگری پرداخت و لسی چندی بعد کار خود را از دست داد و مجبور شد در رستوران يك مسافرخانه بعنوان کارسمن مشغول کار شود . چند سال بعد بتهران بازگشت و در يك کارگاه فلزکاری و لوله کشی مشغول کار شد . کارش طوری بود که از طرف صاحبکار برای نصب تاسیسات ساختمانی بسه شهرهای اطراف فرستاده میشد از این رو بیشتر وقت وی در مسافرت و تماس با مردم مختلف سپری میشد که این امر در افزایش تجربیات و ارتقاء شناخت او نسبت بزندگی خلق بسیار موثر بود .

۱۸ ساله بود که مجدداً به جنوب کشور و

رفت این بار او در شهرهای پوشهر میندرعباس و شیراز و کرمان بکارگری پرداخت ولی چسبن کار در آن دوره رونق زیادی نداشت مانند هزاران کارگر بیکار ایرانی بطور غیر قانونی بسا بک موتور لنج خودش را به شیخ نشینهای عربی رسانید و مدتی در کویت و دومی بکار پرداخت و چندی بعد با همسر پیش اندازی که دسترنج گارش بود به میهن مراجعت نمود این مسافرت او از جوان کار آرموده و دنیا دیده ای ساخته بود . پس از بازگشت بایران مدتی در نواحی جنوبی و سپس در تهران بکارگری پرداخت . در تهران مدت یکسال در بخش قوطی سازی کارخانجات شاه پسند تهران بعنوان شکار کار میکرد . پس از آن توسط آشنایان پدرش در کارخانجات راه آهن تهران کاری برایش پیدا شد و از آن پس رفیق در کارخانجات راه آهن در بخش لوله کشی و تاسیسات بعنوان یک کارگر مخصوص مشغول کار شد .

در سال ۴۶ رفیق حسن همراه چند تن از روشنفکران انقلابی در محل سکونتشان بسک محفل مطالعاتی برراه انباشتند . آنها کتابهای

منوعه را از این طسرف و آن طرف بدست میاورند و مطالعه مینمودند و ولی اینگونه کتابها بسختی بدست میاید . رژیم دیکتاتوری پادشاهی گری تمام کلیه آثار انقلابی را جمع آوری کرده و ممنوع کرده بود و بسدت از پخش و فروش آنها جلوگیری میکرد از این روی کتاب بسیار کمیاب بود و اگر پیدا میشد خیلی گران بود و این امر مشکلی برای ادامه کار آنها ایجاد کرده بود . رفیق حسن که یک پرولتر با تخصصهای مشتت بود خلافتان طسرحی را بر فقایش پیشنهاد کرده بود بر طبق این طرح آنها میبایست یک کتابفروشی علنی کنار خیابان بوجود میاورند و در رابطه با خرید و فروش کتاب با کتابفروش های دورهگرد دیگر که معمولاً منبع اصلی کتب منوعه هستند تماس بگیرند و امکانات خود را از جهت بدست آوردن اینگونه کتابها افزایش دهند . رفیق حسن و رفیق بیگری مسئولیت اینکار را بر عهده گرفتند و سر قفل یک کتابفروشی کنار خیابانی در پیچ شیران را بدست آوردند و مشغول مطالعه کتاب شدند . آنها خیلی زود توانستند با اکثر کتابفروشی های خیابانی تماس

رفت این بار او در شهرهای پوشهر میندرعباس و شیراز و کرمان بکارگری پرداخت ولی چسبن کار در آن دوره رونق زیادی نداشت مانند هزاران کارگر بیکار ایرانی بطور غیر قانونی بسا بک موتور لنج خودش را به شیخ نشینهای عربی رسانید و مدتی در کویت و دومی بکار پرداخت و چندی بعد با همسر پیش اندازی که دسترنج گارش بود به میهن مراجعت نمود این مسافرت او از جوان کار آرموده و دنیا دیده ای ساخته بود . پس از بازگشت بایران مدتی در نواحی جنوبی و سپس در تهران بکارگری پرداخت . در تهران مدت یکسال در بخش قوطی سازی کارخانجات شاه پسند تهران بعنوان شکار کار میکرد . پس از آن توسط آشنایان پدرش در کارخانجات راه آهن تهران کاری برایش پیدا شد و از آن پس رفیق در کارخانجات راه آهن در بخش لوله کشی و تاسیسات بعنوان یک کارگر مخصوص مشغول کار شد .

در سال ۴۶ رفیق حسن همراه چند تن از روشنفکران انقلابی در محل سکونتشان بسک محفل مطالعاتی برراه انباشتند . آنها کتابهای

حاصل کنند و اعتماد ایشان را جلب کنند از آن
بعد کمیا بترین کتابها در اختیار محفل مطالعاتی
لصاتی آنها قرار میگرفت.

در اوایل سال ۴۸ رفیق حسن با گر و ه
مارکیستی رفیق احمد زاده تمار گرفت. در آن
دوران رفقای گروه در جلسات مرتب که هفته ای
دو بار تشکیل میدادند در واحدهای ۳ السی
ه نفره گرد هم جمع شده و به بحث و مطالعه روی
صتون مارکیستی می پرداختند. یکی دیگر از
وظایف ایشان دست نویس کردن کتابها و جزوات
بسیار کمیاب بود که بدستشان میرسید این کار
مهم تلقی میشد زیرا کتابها معمولا برای چند
روز بامانت گرفته میشدند و میبایست پس از چند
روز به صاحب اصلی بازگردانده میشد. در این
زمینه نیز رفیق نوروزی بسیار فعال بود بطوری
که مطالب زیادی از جمله مجموعه آثار رفیق لنین
را در چند نسخه دستنویس کرد و در اختیار
رفقای عضو گروه گذاشت.

در این ایام فعالیت گروه رفیق احمد زاده
شکل مشخصتری بخود گرفت و در برنامه مشخص
در دستور کار رفقای گروه قرار داده شد اول

تشکیل هسته های سه نفری مطالعه و کسار
تئوریک. دوم انجام حرکاتی در جهت رسوخ
در توده های کارگری و ایجاد زمینه ی مناسب
برای تشکیل حزب.

بر اساس این برنامه از طرف گروه مقرر شد
که رفیق نوروزی دست بیک نوع فعالیت سیاسی
در کارخانجات راه آهن بزند. باین ترتیب
که با کارگرانیکه زمینه های مساعدی نشان می
دهند آمیزش نماید و رفته رفته آنها را با مسائل
کارگری و مبارزات سیاسی آشنا کرده و مبارزه
جلب نماید رفیق نوروزی بدنبال این برنامه
علیرغم فضای خفقان بار کارخانه اقامت پست
ارتباط گیری با کارگران مستخدم و جلب ایشان
بکسب آگاهیه های طبقاتی نمود. رفیق
نوروزی باقی چند از کارگران در باره مسائل
کار و کارگری سخن میگفت و ضمنا کتابهایی از
قبیل بشر دوستان ژنده پوش و پاشنه آهنین
و مادر ماکسیم گورکی را در اختیارشان قرار
میداد ولی این عده پس از مدتی از انامه ی
این کار خود داری کردند. خفقان شدیدی
پلیسی در کارخانه و تهدیدهای دائم مانورین

پایس سیاسی ایشان را از ادامه چنين كسارى باز ميداشت . برخى از كارگران كه قديمى تر بودند و تجارى از فعاليتهاى سياسى قبل از سال ۳۲ داشتند بشدت ابراز بد بينى مى - كرنند و رفيق حسن را مورد طعنه قرار مى - دادند كه تو براى رسيدن به وكالت و وزارت بكار سياسى پرداخته اى و بدين ترتيب - بهى اعتمادى شديد خود را ابراز ميگردند البته آنها فقط تجارب مستقيم خود را بيان ميگردند از سويى ديگر آنها با اينده " اين نوع فعاليتها بخاطر احساس ضعف مطلق كه دشمن در ذهنشان بوجود آورده بود بدبين بوده و اميدى در آن نسى يافتند و حتى در زواياى فكرشان نقطه ي اميدى نسبت به اينگونه كارها پيدا نميشد .

اين نيز امرى طبيعى و واضح بود زيرا مردمى كه مرتباً در مبارزه اتشان شكست خورده و با دستگاهى مواجه بوده اند كه مرتب هرگونه عركشان را با شدت سركوب كرده نمي توانند بيهوده بچيزى دل ببندند و اميدوار باشند . آنها براى كسب اعتماد نسبت به منصر پيشگام

سياسى احتياج بدلايل عيني داشتند آنها نمي توانستند بحرفهاى بدون ارتباط با عمل دلخوش كنند . بر اين ميان تنها يك كارگر بسيار جوان از قسمت نجارن كارخانجات بود كه با شور و شوق بهى حد كناهما تيرا كه رفيق نوروزى در اختيارش قرار ميداد مطالعه ميكرد و تا باخر اين فعاليتها را ادامه داد ولى او نيز نسبت باين شكل كار معترض بود . اين رفيق جوان يوسف زرگار بود كه بعد ها در صفوف چريكهاى فدائيسى خلق بمبارزه بر عليه رژيم پرخاست و قهرمانانه در راه آرمان سازمانش شهادت رسيد .

بدين ترتيب رفيق نوروزى كه عليرغم فعاليت منظم و شديد با اشكالات جدى مواجه شده بود در مقاله اى اوضاع را براى رفقاى گروه تشریح كرد . و صريحا اظهار داشت كه : هرنوع كار تبليضى سياسى با توده ها بدون يك اقدام عملى و بدون ييك حد اقل نيروى متمرکزى كه بتواند بدشمن ضرايى وارد سازد و هيولايى دشمن را در ذهن مردم فروريزد و ايشان را با سبب پذيرى

دشمن و امکان نابودی وی مطمئن سازد بی-
شماست .

در همین زمان رفتای دیگری که در چهار
چوب فعالیت گروه در میان کارگران و روستا
نیان فعالیت داشتند نظرات مشابهی را مطرح
ساختند . در آغاز برخی از رفتای روشننگر
عضو گروه که با معیارهای ذهنی و صرفاً
تفویک بدین ارتباط با عمل قضایا را بررسی می
کردند مخالفتهائی با این طرز تفکر جدید
نشان دادند ولی خیلی زود بخاطر صداقت
بی پایانان و برخورد فعالشان با مسئله
توانستند خود را بواقعیت نزدیک کنند و جریانان
را نه آنطور که در ذهنشان پرورده بودند بلکه
آنطور که در جهان خارج از ذهنشان می -
گذشت در یابند . بدین ترتیب اولین نطفه -
های مفهوم نوین مبارزه از طریق رفتای کارگر
دو سطح گروه مطرح گردید و رفیق نورو زی
در این میان نقشی مهمی ایفا کرد .

بدین ترتیب در رابطه با تحلیل شرایط
عینی جامعه دیگر شبهه ای برای رفتا باقی
نمانده بود کفتنها شکل کار در شرایط دیگتاتوری

شدید پلیسی نظامی ایران با توجه به سوابق
ذهنی خلق از مبارزات گذشته نوعی
مبارزه سیاسی - نظامیستکه میبایست مطلق
با شرایط ویژه مهین ما جریان یابد و برای
کشف قانونمندیهائی آن عملا اقدام شود .

از آن پس گروه حرکت خود را در جهت
تضمیر شکل مبارزات خود آغاز کرد . رفیق
نورو زی در جریان تضمیر شکل فعالیت گروه
در صدم مقدم وارد فعالیت شد و در سال ۶۹
در یکی از اولین واحدهای چریک شهری که
بفرماندهی رفیق کبیر مسعود احمد زاده
تشکیل شده بود شرکت جست . از آن پس
رفیق بصورت یک انقلابی حرفه ای مبارزه ای
نوین و دشوار را آغاز کرد . اولین عملیات واحد
آنها صادره سلسل گلانتری قلهک بود که با
پیروزی بانجام رسید .

پس عملیات حمله بگلانتری قلهک واحد ام
فوسو ۱۳ نوع اعلامیه توضیحی بتعداد زیاد
در سطح پخش شد که رفیق نورو زی شخصاً
در پخش اعلامیه ها شرکت می جست و با موثر
سیکلت بشیوه های ابتکاری اعلامیه هارا

بخش میکرد.

رفیق نوروزی در اردیبهشت ماه سال

۵۰ در جریان عطیات بانک آیزنهاور در سیستم

محافظ عملیات شرکت کرد و نقش خود را بخوبی

ایفا کرد.

در تابستان سال ۵۰ سازمان دچار

ضربات شدیدی شد و تیم چریکی رفیق احمد -

زاده از میان رفت. از این تیم رفیق نوروزی

باقی ماند و توانست در اواخر تابستان سال ۵۰

در مرکزیش که بمحظور تجدید سازمان واحدها

تشکیل شده بود فعالاً شرکت جوید.

در اواخر شهریور ماه سال ۵۰ رفیق

در یک درگیری طولانی در بیابانهای جنوبی

تهران از ناحیه پامورد اهانت گلوله قرار

گرفت که با پای مجروح پس از طی مسافت چند

کیلومتر خود را از محاصره دشمن خارج ساخت.

در شب وقوع حادثه فوق خانه محل استراحت

رفیق توسط مزدوران دشمن مورد محاصره

قرار گرفت که رفیق نوروزی با پای مجروح و درد -

ناکش در زیر بار مسلسل از این محاصره نیز

سلامت خارج شد. پس از این حوادث رفیق

حسن بعلت جراحت پایش نتوانست در

عملیات چریکی شرکت جوید ولی در همه حال

وظایف سازمانیش را انجام میداد. در اواخر

مهر که پای مجروحش بهبود یافته بسود

واحد چریکی تحت فرماندهی خود را تجدید

سازمان نمود. این واحد چریکی کنهافتخار

رفیق شهید "پویان" نامگذاری شده بود از

بهترین واحدهای چریکی بود که سازمان ما

بیاد دارد.

واحد چریکی "پویان" مقارن با جشن -

های تنگین شاهنشاهی یک رشته انفجار

روی خطوط انتقال نیروی برق انجام داد که

تاثیر زیادی روی خاموشی تهران داشت آنهم

در شبی که رژیم آنقدر برای پرشکوه کردنش

زحمت کشیده بود.

در اواخر پائیز سال ۵۰ رفیق حسن

در صادره بانک صادرات شعبه نارمک

شرکت جست و در اوایل زمستان همانسال

در عطیات حمله بانک ملی شعبه صفویه

فرماندهی عطیات داخل بانکرا برعهده

داشت و شخصا با رگبار مسلسل رئیس

نوک صفت و خوش خدمت بانکرا بسزای خیانتیش
رسانید .

در بهمن ماه ۵۰ رفیق نوروزی در عملیات
مصادره اتومبیل حامل پول بانکبارگانی شرکت
کرد و نقش خود را بخوبی انجام داد و به
فعالیت منظم خود پیروزی عملیات مصادره را بی
ریزی کرد .

در جریان تظاهرات باصطلاح ملی سال ۵۰
که بخاطر انحراف افکار عمومی با خرج مبالغ
هنگفت و گزاف از جانب رژیم در حریری شد
بود واحد چریکی " پیوان " فرماندهی رفیق
نوروزی در برنامه‌ی در هم ریزی تظاهرات
شرکت جست و با چند انفجار کم خطر در رابطه
با عملیات سایر واحد های چریکی کل تظاهرات
را بر هم ریخته و کوشش بزرگ دشمن را در
فریب افکار عمومی نقش بر آب ساختند و ضمناً
بودی که بزرگ باطوم پلیسها بیدان توپ
خانه هدایت میشدند فرصت دادند که به
خانه های خود بازگردند .

در اواخر زمستان ۵۰ رفیق نوروزی به
همراه رفیق شهید احمد زبیرم با چند نارنجک

بسفارت آمریکا در تهران حمله کردند و به
سلامت بهایگاه خود بازگشتند . از آن پس
رفیق نوروزی در نقش یک سازمانده و یک
مربی سیاسی - نظامی فعالیت پرثمرش را آغاز
کرد و در آموزش کارهای تازه و با وظایف
جدیدین که بهارزات نوین خلق روی آور میشدند
نقش موثری ایفا نمود و در شرایطی که دشمن
شدیدترین فشارها را در ایران برقرار ساخته
بود فعالیتش را لحظه ای قطع نکرد و لیبرفم
لطامات و ضرباتی که بواحد های تحت آموزش
او وارد میشد با روحیه ای پر شور و امید وار
به تجدید سازمان میپرداخت و واحدهای
ضربت خورده را از نو احیا میکرد . رفیق نوروزی
در آموزش رفقای تازه کار و سواس و دقت بسیار
نشان میداد و میکوشید هر چه سریعتر کاراکتر
انقلابی رفقا را اعتلا بخشد . از این
روی سعی میکرد با دادن مسئولیت بر رفقا
و راهگشائی ایشان عملاً آنها را در کوران کار
قرار دهد تا در جریان عمل رشد کنند و آهسته
شوند .

رفقای که با رفیق نوروزی کار کرده اند هر

گز صمیمیت ، صداقت ، فروتنی ، و تعهدی
بایان رفیق را فراموش نخواهند کرد و این
بازترین خصلتهای او همیشه راهنمای عملشان
در مبارزات انقلابی خواهد بود . با اعتقاد
رفقای که با او کار کرده اند وجود او خود
نوعی انگیزه برای بهتر کار کردنشان بوده است و
این نهایت تاثیر است که يك انقلابی میتواند
بر روی رفقای همروزش ایجاد نماید .

سال ۱۳۵۱ برای رفیق نوروزی سال
تلاشهای پیگیر بود . در پائیز سال ۵۱ رفیق
نوروزی در سر يك قرار خیابانی با محاصره بیش
از ۶۰ مزدور دشمن که با سلاحهای اتوماتیک
سلح بودند مواجه شد . محل قرار در خیابان
شوش تهران واقع شده بود . رفیق نوروزی
که متوجه محاصره دشمن گشته بود پس از يك
رشته تیراندازی متقابل با مأمورین دشمن و مجروح
ساختن یکی از ایشان خود را بداخل مسیر
خط آهن جاده آرامگاه انداخت و در حالیکه
۶ عنصر سلح دشمن بسمت وی شلیک میکردند
از محاصره سلامت خارج شد .

رفیق حسن در فاصله زمستان ۵۱ تا

زمستان ۵۲ را بکار آموزش و سازماندهی
کارها ادامه داد و در برنامه ریزیهای
سازمان فعالانه شرکت جست و در جهت بر پا
کردن امکانات تازه برای گسترش مبارزه نقش
خود را به شکل خوبی ایفاء کرد و اشرا
مشخصی بر رشد و گسترش فعالیتهای سازمان
ما از خود باقی گذاشت .

در ۲۰ دی ماه ۵۲ رفیق نوروزی
که در پی انجام مأموریتی در منطقه لرستان
در حال حرکت بود بطور غافلگیرانه مورد
حمله مأمورین دشمن قرار گرفت و هلیکوپتر
غافلگیری ، سلاح بر کشید و مزدوران را برگرد
مسلسل بست ولی خود نیز مورد اصابت گلوله
قرار گرفت و به شدت آسیب دید . دشمن
خبر درگیری را ۱۲ روز بعد از جراید اعلام
داشت و از تعداد تلفات خود نگری بهمان
نیامرد و فقط بدکسر این جمله اکتفا کرد
که : " در این درگیری بهیچ عنصر غیسی
نظامی آسیبی نرسید " . و این نشان میدا
که تعدادی از مزدوران دشمن با رگبار
مسلسل رفیق کشته و مجروح شده اند . بهر

حال رفیق حسن نوروزی این رزنده ی دلاور
 سازمان ما و این فرزند راستین خلق پس از
 سه سال مبارزه ی پیگیر برای بیداری خلق—
 خود شهادت رسید . او شهید شد و لسی
 تاثیرات سه سال مبارزه ی امان او همواره
 در کالبد جنبش خلق ما پا برجاست و مبارزین
 که برای ادامه راه او بیدان می آیند همواره
 خاطره بلاورهای و فداکاریهای او را پشتوانه ی
 عمل انقلابی خود خواهند یافت و با قلبی روشن
 در راهی که خون شهدای ارزشمندی چون
 حسن سرخ گشته پیش خواهند تاخت و رساله
 رضائی خلق را فراهم خواهند نمود .
 هنگامیکه خبر شهادت رفیق کبیر
 حسن نوروزی برفقای همزم رسید همگی بیساز
 آوردند قطعه شمعی از رفیق ماثورا که رفیق
 نوروزی در هنگام شهادت فدائیان خلق
 زیر لب با شوق بی پایان زمزمه میکرد .

پنجه برگها آویزان است

و چنگال دشمنان تیز

و اینان پرنیائی امیدهایمان را میدوند

در گندم زار زنجره ای میخواند
 در خانه بی شوی زنی بی نالد
 ره گم کرده کودکی پدرش را آواز میدهد
 رودها دامن کشان پیش میروند و دامن ابدیت
 را میسویند
 و این خونها که نهضت هزاران مرد در آن جاریست
 زندگی را میسویند
 تا زنجره آرام گیرد ، زن بی شوی نناند
 و کودک بر چهره پدر لبخند زند
 من قطره ای از دریای بیکران خلقم
 و همچون شبنمی که زیر گلهاست و هم چون
 آن تک فروغ آسمان که زمین را روشن میکند
 با این همه من بی هیچم اگر نتابم ، اگر نخندم
 تازه اگر بگیرم و هم چون شبنم که گدافراوموش
 میکنند تخییر شوم
 شما خواهید بود و من در شما خاک شده ام
 نه بمن به اقیانوس سپاهیانند . یسید ، نه پپای
 زخم دار چه قدمهای استوار امیدوار باشید
 شعله مانند خشم خروشه میدهد
 و خشم خرمن سرخ امیدهای فرو کوفته است
 اصالت خلق را ما مزارع انسانی را بارورتر

خواهند یافت . بیم ندارید . بیم ندارید .

بقیه سر مقاله

و بهره برداری از ثمرات درخشان آن در آینده ، ما باید بیگیرانه و بطور مداوم رفقای ما را طلب مبارزه را عضوگیری کنیم و با برنامه منظم آموزش دهیم . بدین طریق در هر مرحله از رشد جنبش ما قادر خواهیم بود در طی گسترش منطقی ایحاد سازمان و کارهای لازم را برای ادامه کاری اصولی جنبش تربیت نماییم .

کارهایی که در پروسه ی رشد و تکامل خود خواهند توانست ذخائر عظیم استراتژیکی جنبش یعنی توده های انقلابی را سازمان دهند و رهبری کنند .

پس در اوضاع کنونی ما موظفیم که از هر جنبشی و از هر گروه مبارزی که با دشمن در حال مبارزه است تا حدی که امکانات بیازمان اجازه ی دهد ، حمایت و پشتیبانی فعال پارتی صفحه قبل

بمثل آبریم و در این راه از صرف هیچ گونه نیرو و انرژی و بذل هرگونه فداکاری مضایقه ننمائیم . برماست که انگستان پراکنده خلوق را مجتمع نموده و به مشت واحدی برای کوبیدن رژیم شاه مبدل سازیم .

در اینجا ما باید دیگر پشتیبانی بی دریغ خود را از مبارزات قهرآمیز خلق و فرزندان راستینش در هر گوشه از میهن تحت سلطه ی خود اعلام می کنیم و آماده ایم که دستهای گرم هر رفیق رزمنده ای را که میسرمان دراز می شود رفیقانه بشماریم .

سراستام با یاری خلق دشمن رانابود خواهیم ساخت .

با ایمان به پیروزی را همان

"چونیکهای فدایس خلق"

(۱) . رفیق نوروزی با تعبیر در کلمه چین و دهقانان باین شعر جنبه انترناسیونالیستی و عموم

خلق میداد . ما نیز شعر را بهمانگونه که رفیق میخواند آوریم .

شهادت يك چسريك فدائيس خلق در جبهه نبرد منطقي

فرح سپهری بود که در مرداد ۵۱ در دوگیری خیابان فرح آباد تهران دلاورانه خود را به صف دشمن زد و پس از از پای انداختن چند عنصر دشمن با رگبار مسلسل‌های اسرائیلی از پای درآمد .

سومین شهید از برادران فراموش نشدنی سپهری رفیق جنگاور این سپهری بود که در شهریور ۵۲ در يك دوگیری دوساعته در شهر آبادان هنگامیکه بر اثر گرمادگی شدید از پای افتاده بود با انفجار نارنجک خود را کشت و در حالیکه قبل از شهادت چندین تن از مزدوران دشمن را از پستی افتاخته بود .

و اما سال چهارمین برادر از برادران سپهری که نامشان تا ابد در تاریخ مبارزات خلق ما خواهد درخشید در راه رهایی خلق های تحت سلطه در نقطه ای از جبهه نبرد منطقه برخاک افتاده و خون وی خاک سپهری

بنا به اطلاعات رسیده رفیق قهرمان - فرهاد سپهری در یکی از جبهه های نبرد منطقه ای در صحنه يك پیکار بیروزمند به شهادت در راه رهایی خلقهای تحت ستم دست یافته است .

رفیق فرهاد سپهری چهارمین برادر از خانصوادۀ پرافتخار سپهرست . سه برادر دیگر رفیق فرهاد در طول سه سال و نیم جنگ چسریکی در ایران به شهادت انقلابی دست یافته اند .

رفیق سیروس سپهری برادر بزرگ سپهریها در شهریور ۵۰ در جریان محاصره يك خانه چریکی محروم گردیده به هوش شد و بدست دشمنان اسیر گردید . در زندان و فیسق سیروس سپهری تحت شدیدترین شکنجه های قرون وسطایی بشهادت رسید و کلمه ای بر زبان نیاورد .

دومین شهید از برادران سپهری رفیق

انترناسیونالیستی را رنگین ساخته است. بدین سان سازمان ما اولین شهید خود را در راه یک هدف انترناسیونالیستی تقدیم خلقهای مبارز جهان مینمایید. پیمان بسته ایم که در هر کجای کره خاکی که باشیم بر علیه دشمنان خلقها بیه مبارزه برخیزیم و لحظه ای از پای ننشینیم. دلاوریهای فرزندان سازمان ما در فلسطین گویای بارز وفای باین میثاق است. ما خود را اعضای از ارتش رهائی بخش خلقهای تحت سلطه امپریالیسم میدانیم و در همه حال برای تحقق آرمان خلقهای تحت سلطه آماده‌ی پیکار هستیم. با اعتقاد ما در شرایطی که امپریالیست‌ها متحداً بر علیه خلقها توطئه چینی میکنند بدون یک وحدت عمل و هماهنگی کامل بین نیروهای خلقها پیروزی بر دشمن بسیار دشوار و بلکه غیر ممکن است. از این روی ما وظیفه‌ی انقلابی خود میدانیم که در همه حال بسوی ایجاد وحدت و هماهنگی میان نیروهای انقلابی خلقهای تحت سلطه تلاش کنیم و در راه تشکیل صف نیرو مند و متحد بر علیه دشمن امپریالیست و ارتجاعیون وابسته به بیگانه از هیچ کوششی

فروگذار ننمائیم .

سر انجام امپریالیسم بدست توانای

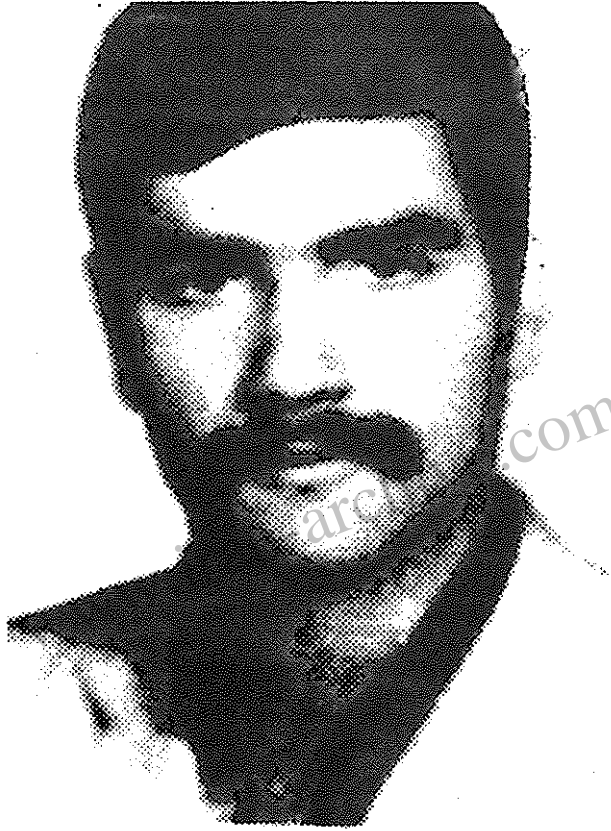
خلقهای جهان نابود خواهد شد.

* * *

بقیه از صفحه ۶۱

انسانیش نتوانست شخصیت انقلابی رفیق را در هم بشکند و از این روی آنگاه که تلاش مذبحخانه اش به نتیجه نرسید در حالیکه مایوس و درمانده شده بود او را کشت و بدین ترتیب بار دیگر صفت خود را در مقابل اراده یک چریک فدایی خلق باثبات رسانید. خاطره جاننازی رفیق جمشیدی تا ابد در قلب مبارزینی که قدم در راه رهائی خلق می گذارند زنده خواهد ماند. هرگز فراموش نمی کنیم این گفته رفیق جمشیدی را که میگفت اگر خونبهای ما آگاهی خلق است بگذار از خون ما رودخانه ای خروشان جاری شود. رفیق جمشید بگفته خویشت عمل کرد و علیرغم تمام رنجهایی که بر بدن زخم خورده و سوخته اش وارد ساختند هرگز به خلق پشت نکرد .

یادش را گرامی میداریم و درسهایش را بخاطر شیخ
می سپاریم و آرزو میکنیم که در مقاومت همچون او



رفیق فرهاد سپهری